

حسابرسان و ۱۰ چالش بانک‌ها و مؤسسات اعتباری در ایران



فرهاد نیلی



علی صالح آبادی



کوروش پرویزیان



جواد باغبان



مرتضی اسدی

صورت‌های مالی برخی از بانک‌های مشخص شده، براساس استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی (IFRS).
ت - واپس ماندگی تاریخی و فنی حسابرسی بانک‌ها و مؤسسات اعتباری در ایران، به‌سبب ناکارآمدی اجرای روش‌های سنتی حسابرسی صورت‌های مالی و ضعف تخصص و مهارت‌های لازم برای حسابرسی بانک‌ها و مؤسسات اعتباری در خصوص ارزیابی ریسک سیستم‌های فناوری اطلاعات و نرم‌افزارهای مورد استفاده در عملیات بانکداری الکترونیکی و به تبع آن طراحی روش‌های ویژه بر خورد حسابرس با چنین ریسک‌هایی.
ث - چالش فاصله‌ی انتظارات از خدمات حسابرسی و اعتباردهی برای کشف فساد و تقلب و سوءاستفاده‌ها و پول‌شویی.
ج - و بسیاری از چالش‌های بحران‌زای دیگر
موضوع پرونده‌ی اصلی این شماره‌ی فصلنامه‌ی حسابدار رسمی، بررسی و واکاوی برخی از چالش‌های عمده‌ی حوزه‌ی حسابرسی و گزارشگری مالی بانک‌ها و مؤسسات اعتباری، پرداخته است. مشارکت‌کنندگان در این میزگرد جملگی از صاحب‌نظران حرفه‌ی حسابرسی و صنعت بانکداری ایران هستند. پاسخ‌های تفصیلی آنان به پرسش‌های طرح شده را می‌خوانیم.

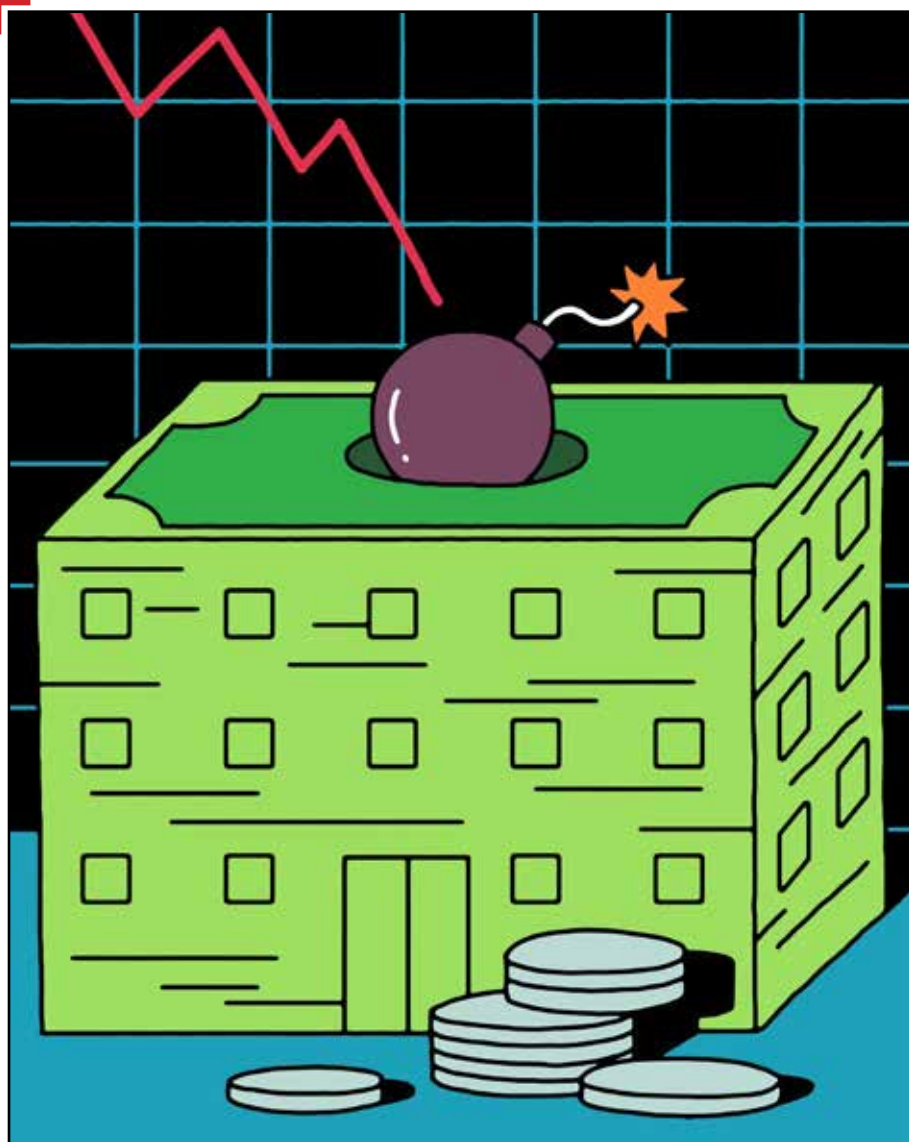
صنعت بانکداری در ایران، طی دو دهه‌ی گذشته و به‌ویژه در سال‌های اخیر، ضمن آن که تحولات گسترده‌ای را از سر گذرانده با چالش‌های جدیدی نیز مواجه شده است. استفاده‌ی گسترده از نرم‌افزارهای مختلف ارایه‌ی خدمات بانکی از طریق خودپردازها، اینترنت و تلفن همراه، صنعت بانکداری را از روش‌های سنتی به شیوه‌های مبتنی بر بهره‌برداری از فناوری اطلاعات در عصر ارتباطات پیشرفته متحول ساخته است. با این همه، به‌رغم این تحول بی‌نظیر و مستمر در بانکداری الکترونیکی، گزارشگری مالی و حسابرسی صورت‌های مالی بانک‌ها و مؤسسات اعتباری، با چالش‌های جدی متعددی مواجه شده است. از جمله‌ی این چالش‌های بحرانی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:
الف - تعدد دستورالعمل‌ها و بخشنامه‌های مختلف بانک مرکزی که در مواردی فاقد شفافیت کافی است و یا مغایر با استانداردهای حسابداری و گزارشگری مالی است.
ب - اختلاف نظرهای بانک مرکزی و مرجع استانداردهاگذار حسابداری و حسابرسی، در خصوص نحوه‌ی تهیه و تنظیم صورت‌های مالی بانک‌ها.
پ - نبود زیرساخت‌های اطلاعاتی لازم در خصوص ارایه‌ی

« مرتضی اسدی:

زیان‌دهی عملیات بانکی، وجود زیان انباشته و پایین بودن نسبت کفایت سرمایه در سنوات اخیر و همچنین ضعف در سیستم‌های اطلاعاتی بانکها (از جمله نبود اطلاعات مشروح و دقیق مربوط به تسهیلات امهالی، وثایق و ارزیابی ادواری آنها، اطلاعات وضعیت مالی و رتبه اعتباری مشتری و پراکندگی سیستم‌های اطلاعاتی) باعث شده تا بانک‌ها زیان کاهش ارزش تسهیلات اعطایی را به نحو صحیح شناسایی نکنند و تسهیلات اعطایی را به نحو صحیح در چهار طبقه جاری، سررسید گذشته، معوق و مشکوک‌الوصول ارایه و افشا نکنند.

علاوه بر این، به رغم وجود بند تحریف در گزارش‌های حسابرسان مستقل طی سال‌های متمادی و عدم پیگیری مؤثر از سوی مجامع عمومی بانک‌ها و نهادهای ناظر، در خصوص رفع بندهای شرط حسابرسان و درج بند شرط بدون ذکر مبلغ تعدیل توسط حسابرسان، باعث شده اقدام مؤثری در این خصوص توسط بانک‌ها انجام نشود.

در حال حاضر با توجه به اجرایی نبودن استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹: ابزارهای مالی (IFRS9) در ایران، در رابطه با زیان کاهش ارزش مورد انتظار و اندازه‌گیری تسهیلات اعطایی، مغایرت قابل‌ملاحظه‌ای بین بخشنامه ۲۸۲۳ بانک مرکزی و استانداردهای حسابداری وجود ندارد. تنها مورد قابل ذکر رویکرد آینده‌نگر و مبتنی بر ارزش زمانی پول (ارزش اقتصادی) در مفاهیم کاهش ارزش دارایی‌ها است که در بخشنامه‌ی فعلی بانک مرکزی ریسک اعتباری با رویکرد گذشته‌نگر مورد توجه قرار گرفته است. البته پیاده‌سازی مدل زیان اعتباری برای محاسبه‌ی کاهش ارزش مورد انتظار تسهیلات اعطایی با توجه به زیر ساخت‌های مورد نیاز از جمله برآورد



چالش مطالبات مشکوک‌الوصول

طبق گزارش‌های حسابرسی صورت‌های مالی بانک‌ها و مؤسسات اعتباری، الزامات مقرر در دستورالعمل و بخشنامه‌های بانک مرکزی در خصوص طبقه‌بندی مطالبات ناشی از تسهیلات اعطایی بانک‌ها (جاری، سررسید گذشته، معوق و مشکوک‌الوصول) و نحوه‌ی محاسبه و تأمین ذخیره‌ی مطالبات مشکوک‌الوصول بابت آن‌ها، عمدتاً رعایت نشده است (بخشنامه‌ی شماره

مب/۲۸۲۳ مورخ ۱۳۸۵/۱۲/۰۵ و بخشنامه‌ی شماره‌ی ۹۱/۲۱۲۷۰ مورخ ۱۳۹۱/۰۱/۳۱). عدم رعایت دستورالعمل و بخشنامه‌های مزبور، سبب شده که ذخیره‌ی مطالبات مشکوک‌الوصول کافی برای پوشش زیان‌های ناشی از مطالبات، در صورت‌های مالی منظور نشود. عدم اجرای دستورالعمل و بخشنامه‌های مذکور، چگونه توجیه می‌شود؟ افزون بر این، افتراق دستورالعمل و بخشنامه‌های مزبور با استانداردهای حسابداری را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

نرخ تنزیل، پیش‌بینی الگوی جریان‌های نقد ورودی مورد انتظار تسهیلات (به دلیل بی‌ثبات بودن متغیرهای کلان اقتصادی) و ضعف در سیستم‌های اطلاعاتی، دشواری‌های خاص خود را دارد و نیازمند برنامه‌ی اقدامی فراتر از تصویب استاندارد یا بخشنامه در این رابطه است.

◀ جواد باغبان:

از عوامل مؤثر بر ناکارایی ذخیره‌ی مطالبات مشکوک‌الوصول بانک‌ها می‌توان مواردی چون اندازه‌ی بانک، درآمدهای غیربانکی، حقوق صاحبان سهام، تعداد شعب و نسبت کفایت سرمایه را نام برد. چون وضعیت مالی و به تبع آن ریسک کل بانک‌ها با اندازه‌ی آن‌ها مرتبط و از بانکی به بانک دیگر متغیر است، انتظار می‌رود، شیوه‌ی ذخیره‌ی مطالبات مشکوک‌الوصول بانک‌ها متناسب با اندازه‌ی آن‌ها باشد. درخصوص درآمدهای غیر بانکی می‌توان گفت، هرچه درآمدهای بانک از محلی غیر از سود تسهیلات بیش‌تر باشد، به علت کاهش ریسک کل بانک ناشی از عدم وصول مطالبات، می‌توان ذخیره‌ی مطالبات مشکوک‌الوصول کم‌تری در نظر گرفت. بنابراین، چنانچه بانکی، با درآمد کارمزدی کم، هزینه‌ی مطالبات مشکوک‌الوصول کم‌تری در نظر گرفته باشد، ذخیره‌ی مطالبات مشکوک‌الوصول آن ناکارا و گمراه‌کننده خواهد بود. بانک‌های با نسبت سرمایه بیش‌تر، ریسک کل کم‌تری می‌پذیرند و از این‌رو ذخیره‌ی مطالبات مشکوک‌الوصول کم‌تری را می‌توان برای آن‌ها در نظر گرفت. در بررسی ذخایر مشکوک‌الوصول بانک‌ها مشخص شده، دستورالعمل‌های صادره توسط بانک مرکزی ج.ا.ا. به درستی رعایت نمی‌شود، این عدم‌رعایت دستورالعمل‌های صادره سبب شده ذخیره‌ی کافی برای پوشش زیان‌های ناشی از مطالبات نگهداری

نشود. از آن‌جایی که اجرای دقیق دستورالعمل‌ها منجر به افزایش مطالبات معوق می‌گردد، لذا مسئولان بانک‌ها با توجیهات و توضیحات و تفسیرهایی که از بخشنامه‌های بانک مرکزی ج.ا.ا. می‌کنند به منظور جلوگیری از انعکاس نامطلوب عملکرد خود، آن‌ها را دقیقاً اجرا نمی‌کنند. به عنوان مثال مفاد بخشنامه‌ی شماره‌ی ۹۳/۳۳۷۱۸۰ مورخ ۹۳/۱۲/۱۴ که مقرر می‌دارد ذخیره‌ی اختصاصی برای آن دسته از بدهی‌های غیر جاری مشتریان که مورد امهال، تقسیط مجدد یا تغییر طبقه قرار می‌گیرند، بایستی بدون توجه به تغییر طبقه و بر اساس طبقه‌ی قبل از امهال محاسبه و در حساب‌ها منظور شود، بعضاً با توجیهاتی در بانک‌ها رعایت نمی‌شود و تسهیلات امهال شده در دسته‌ی طبقه‌ی جاری قرار می‌گیرند. در این خصوص بانک‌ها بر اساس بخشنامه‌ی ۲۸۲۳ بانک مرکزی، اقدام به طبقه‌بندی مطالبات غیرجاری در طبقات سررسید گذشته، معوق و مشکوک‌الوصول می‌کنند. طبقه‌بندی مذکور و اخذ ذخایر مطالبات مشکوک‌الوصول علی‌رغم تصریح بخشنامه‌ی فوق مبنی بر در نظر گرفتن وضعیت مالی مشتری، صرفاً براساس عامل زمان و با اعمال وثایق اخذ شده از مشتری و ضرایب ابلاغی بخشنامه‌ی فوق‌الذکر به ترتیب معادل ۱۰، ۲۰ و ۵۰ درصد صورت می‌گیرد. نکته‌ی حایز اهمیت در این خصوص این است که هزینه‌ی مطالبات غیر جاری صرفاً بر اساس عوامل کمی و بدون توجه به مسایلی از قبیل ریسک مشتری، میزان سودآوری، وضعیت نقدینگی و وضعیت مالی مشتری صورت می‌پذیرد. مسئله‌ی دیگری که قابلیت باز یافت مطالبات تسهیلات بانکی را در معرض خطر قرار می‌دهد و حصول اطمینان از این بابت را برای حساب‌برسان مستقل بانک‌ها دشوار کرده استمهال تسهیلات اعطایی به مشتریان برای دفعات متعدد

است، چرا که با استمهال تسهیلات، آخرین تسهیلات اعطایی ملاک طبقه‌بندی بر اساس عامل زمان است که باعث جاری تلقی شدن این گونه مطالبات است، در حالی که محتوای تسهیلات اعطایی بر اساس اولین قرارداد غیر جاری بوده و بایستی از این بابت ذخایر لازم در دفاتر اخذ گردد که عملاً این اتفاق رخ نمی‌دهد.

موارد فوق از نظر مدیران بانکی قابل توجیه بوده، در حالی که این موارد فاقد پشتوانه‌ی قانونی است. لذا بانک مرکزی ج.ا.ا. باید با تجدید نظر در بخشنامه‌های مذکور و به‌روزرسانی آن الزامات کیفی‌سازی ذخایر بانک‌ها را ابلاغ و لازم‌الاجرا سازد. گفتنی است که مطابق با استانداردهای حسابداری در شرایطی که مطالبات، در سررسید مربوطه به حیطة وصول درنیاید می‌بایستی نسبت به ذخیره‌سازی آن اقدام نمود، بنابراین دستورالعمل‌ها و بخشنامه‌های بانک مرکزی عموماً در راستای هم‌خوانی با استانداردهای حسابداری در این مقوله تهیه شده است، هر چند که در برخی از مبانی‌های محاسباتی آن افتراق‌هایی از لحاظ میزان و زمان اخذ آن وجود دارد.

◀ کورش پرویزیان:

در بخشنامه‌ی طبقه‌بندی (ابلاغی سال ۱۳۸۵) تنها بر سه پارامتر زمان، وضعیت مشتری و وضعیت صنعت تمرکز شده است و مسایلی مربوط به محیط اقتصاد ایران، مشتمل بر قوانین مصوب مجلس، کمیته‌های مستقر در ارکان دولت و فضای کسب‌وکار ایران و آثار تحریم‌ها مورد توجه قرار ندارد. صرفاً برای تعیین طبقه‌ی پرونده‌ی مطالباتی، بانک باید به این سه معیار توجه کند و براساس بدترین معیار ارزیابی شده، طبقه‌ی پرونده‌ی مشتری را تعیین کند. لذا با تأکید بر ضرورت اصلاح طبقه‌بندی، بخشنامه‌ی بانک مرکزی حداقل بنا به دلایل ذیل از سوی بانک‌ها

در ارائه‌ی صورت‌های مالی به خواست حسابرسان تطابق ندارد:

۱- در سنوات گذشته تفسیر متفاوت از بخشنامه‌ی ابلاغی از سوی بانک‌ها و برنامه‌نویسان سبب شده تا نحوه‌ی طبقه‌بندی اقساط پرونده محل اختلاف بوده و در صدور اسناد حسابداری رویکردهای متفاوتی وجود داشته باشد. این امر سبب طبقه‌بندی پرونده بر اساس سررسید اقساط در طبقات مختلف شده و محل اعتراض حسابرسان است.

۲- صدور قوانین متعدد و متناقض در برخورد با بدهکاران نظام بانکی طی سنوات مختلف نظیر قوانین بودجه و مصوبات هیأت وزیران (نظیر آیین‌نامه‌ی وصول مطالبات) و اخیراً مصوبات ستاد ملی مبارزه با کرونا سبب شده عملاً نرم‌افزارهای بانکی از چارچوب‌های مقرر خارج شده و به‌نوعی قادر به عمل طبق این مصوبات نباشند حال آن‌که گزارشگری می‌باید بر این مبنا انجام پذیرد.

۳- مشکلات اقتصادی تحمیل شده به فعالان اقتصادی که خارج از حیطه‌ی اختیار آن‌ها بوده (نظیر تحریم‌های اقتصادی) و نامشخص بودن نحوه‌ی حمایت دولت از آن‌ها سبب شده تا وضعیت بدهی ایشان به نظام بانکی نامشخص باقی بماند (نظیر مشکلات نرخ ارز در ایفای تعهدات ارزی).

۴- فرآیند طولانی و مطول حقوقی در وصول مطالبات و نقد شدن وثایق تسهیلات.

ملاحظه می‌کنید مسائلی از این دست که عملاً می‌توان گفت در کشور ما منحصر به فرد است و سابقه‌ی دیگری در نظام بانکداری کنونی دنیا ندارد، خود منشاء اختلاف نظر بین گزارشگران و حسابرسان است. بانک‌ها این ملاحظات را مدنظر قرار می‌دهند لیکن حسابرسان از باب رعایت به مفاد بخشنامه توجه دارند. قطعاً بانک‌ها نیز که جزو موسسات پیشرو در به‌کارگیری مدیریت ریسک هستند

خود می‌دانند که حفظ ذخایر مرتبط با ریسک اعتباری و ارتقای آن سبب تداوم فعالیت‌شان می‌شود. همچنین در کنار این اقدام بانک‌ها نهاد ناظر نیز با ملاحظات بیش‌تر در سنوات اخیر نسبت به تکالیف خاص ذخیره‌گیری مطالبات مشکوک‌الوصول در مجوز مجامع بانک‌ها اقدام کرده است.

از باب افتراق دستورالعمل با استانداردهای حسابداری نیز در دنیا سیستم بانکی به دلیل حساسیت و تأثیری که بر اقتصاد دارند با ملاحظات احتیاطی بیش‌تری از آنچه که در استانداردهای حسابداری آمده اداره می‌شوند. این اصول براساس ضوابط احتیاطی کمیته‌ی بال استوار است.

نکته‌ی مهم آن‌که پیش از هر اقدامی از سوی بانک‌ها در زمینه‌ی افزایش ذخایر مطالبات باید موضوع پذیرش ارقام حسابرسی‌شده از سوی سازمان امور مالیاتی مد نظر قرار گیرد. زیرا عدم‌پذیرش این ذخایر سبب خسران دوجانبه‌ی سهام‌داران بانک‌ها می‌شود.

◀ علی صالح‌آبادی:

بخشنامه‌های شماره م/ب/۲۸۲۳ مورخ ۱۳۸۵/۱۲/۰۵ و شماره ۹۱/۲۱۲۷۰ مورخ ۱۳۹۱/۰۱/۳۱ بانک مرکزی، بخشنامه‌های فاقد انعطافی هستند که در فرآیند طبقه‌بندی تسهیلات، صرفاً به مدت زمان سپری شده از تاریخ سررسید اقساط توجه داشته، و با تکیه بر الگوی زبان تحقق‌یافته، بانک‌ها را ملزم به شناسایی و ثبت ذخیره از بابت مطالبات مشکوک‌الوصول می‌کنند؛ بدون آن‌که به شرایط حاکم بر اقتصاد ملی به ویژه در شرایط خاص تحریمی توجه داشته باشند. به عبارت دیگر قاعده‌ی کلی رجحان محتوا بر شکل در بخشنامه‌های فوق‌الشاره مغفول مانده است. از جمله مواردی که مدیریت شبکه بانکی را به عدول از مفاد بخشنامه‌های اشاره شده مجبور می‌کند به شرح زیر است:

۱) به دلیل تحریم‌های اقتصادی و محدودیت‌های ناشی از آن، علاوه بر آن‌که فرآیند واردات مواد اولیه و صادرات کالاها و خدمات سخت و دشوار شده است، نقل و انتقال وجوه ارزی مربوطه هم پیچیده‌تر و گاه حتی غیرممکن شده است. به گونه‌ای که علاوه بر افزایش هزینه‌های جابه‌جایی وجوه، در موارد بسیاری به‌رغم آمادگی تسهیلات‌گیرنده برای پرداخت اقساط و تسویه‌ی بدهی خود، بانک تسهیلات‌دهنده به دلیل نبود روابط کارگزاری با کارگزاران بانکی خارج از کشور، قادر به دریافت اقساط مشتری نبوده، از این‌رو مشتری با تأخیر ناخواسته در تسویه‌ی بدهی خود مواجه می‌شود. بخشنامه‌های مورد نظر در رویکردی خشن و غیرمنعطف، مراتب را به‌عنوان موارد واجد شرایط انتقال به طبقات غیرجاری و محاسبه ذخیره از بابت تأخیر در پرداخت تلقی می‌کنند حال آن‌که تأخیر در تسویه نه به جهت افزایش ریسک اعتباری تسهیلات‌گیرنده، بلکه به دلیل محدودیت‌های حاکم بر بانک تسهیلات‌دهنده است.

۲) کارشناسان سازمان امور مالیاتی کشور در رویکردی غیرعادلانه که از آن به عنوان «حاکمیت وصول بر اصول» تعبیر می‌شود با توسل به بهانه‌های مختلف، از پذیرش هزینه‌ی مطالبات مشکوک‌الوصول خودداری می‌کنند. بنابراین مدیریت بانک با از دست دادن تنها انگیزه‌ی خود برای ثبت ذخیره که همان انگیزه‌ی صرفه‌جویی مالیاتی است در اقدامی واقع‌بینانه، افزایش یک بند به بندهای گزارش حسابرسی را به کاهش نسبت‌های سودآوری و کفایت سرمایه‌ی خود ترجیح می‌دهد.

۳) دیدگاه وثیقه‌محوری حاکم بر بانک‌ها به تاسی از بخشنامه‌های بانک مرکزی، دیدگاهی نادرست و غیراصولی است که باید با نگرش اعتبارمحوری جایگزین شود. در بخشنامه‌های فوق‌الشاره، وثایق

تودיעی تسهیلات گیرنده نزد بانک تسهیلات دهنده، از عوامل اصلی ذخیره گیری است که با واقعیت های حاکم بر روابط بانک و مشتری سازگاری نداشته، و مدیریت بانک ناگزیر است به برداشت خود از وضعیت مشتری که متکی بر تجربه و قضاوت شخصی است متوسل شود.

با عنایت به مراتب فوق و به دلیل عدم سنخیت مفاد بخشنامه های بانک مرکزی با واقعیت های حاکم بر احوال اقتصادی تسهیلات گیرندگان به ویژه در ارتباط با موضوع تحریم های اقتصادی به شرح بند یک فوق، بانک تسهیلات دهنده ناگزیر خواهد بود در یک سال ذخیره گیری و در یک سال دیگر نسبت به بازگشت آن اقدام کند. این موضوع علی الخصوص در ارتباط با بانک های بورسی، نارضایتی سرمایه گذاران در سهام بانک سرمایه پذیر را به دنبال خواهد شد. بنابراین ضمن تأکید بر لزوم بازنگری در دستورالعمل ها و بخشنامه های بانک مرکزی متناسب با شرایط اقتصادی کشور، هماهنگی بین دستگاه های قانون گذار، ضمن کمک به دست اندرکاران عرصه های اقتصادی کشور، رونق فضای کسب و کار، و افزایش اشتغال زایی، تحقق اهداف قانون گذار را هم تضمین خواهد کرد.

◀ فرهاد نیلی:

تسهیلات اعطایی به اشخاص مهم ترین دارایی مولد بانکها را تشکیل می دهد. طبق بخشنامه ی مب ۲۸۲۳ مورخ ۱۳۸۵/۱۲/۵ و ۹۹/۲۲۰۹۷۷ مورخ ۱۳۹۹/۷/۱۰ بانک مرکزی ج.ا.ا، بانکها ملزم هستند ذخیره ی عام و ذخیره ی خاص برای تسهیلات اعطایی محاسبه و در حسابها منظور کنند. ذخیره ی خاص مطالبات مشکوک الوصول در مورد بخشی از تسهیلات که از طریق وثایق پوشش داده نشده، بر اساس درصدهای ازپیش مشخص شده

برای هر طبقه از تسهیلات و بدهکاران محاسبه می شود. بانکها برای تسهیلات و بدهکاران جاری ذخیره ای محاسبه نمی کنند. ضرایب ذخیره ی مطالبات مشکوک الوصول برای تسهیلات سررسید گذشته (۲ تا ۶ ماه پس از سررسید آخرین قسط پرداختی) ۱۰ درصد، معوق (۶ تا ۱۸ ماه پس از سررسید آخرین قسط پرداختی) ۲۰ درصد، مشکوک الوصول (بیش از ۱۸ ماه پس از سررسید آخرین قسط پرداختی) ۵۰ الی ۱۰۰ درصد مانده ی تسهیلات و بدهکاران باید ذخیره خاص محاسبه کنند. برای اقلامی که ذخیره ی خاص محاسبه نشده، ذخیره ی عام به میزان ۱,۵ درصد مانده ی تسهیلات و بدهکاران محاسبه می شود.

مزایای این روش، سادگی و عدم نیاز به اعمال قضاوت است و ذخایر محاسبه شده بین بانکها به سادگی قابل مقایسه است.

در استانداردهای حسابداری ایران قابلیت باز یافت مطالبات، با در نظر گرفتن ارزش وثایق و تضامین در نظر گرفته می شود. در حالی که طبق بخشنامه های بانک مرکزی ج.ا.ا نحوه ی محاسبه ی ذخیره ی م.م نسبت به مطالبات در بانکها متناسب با ضرایب تعیینی (موسوم به ضرایب نقد شوندگی) نسبت به ارزش وثایق و بر مبنای سری زمانی ازپیش تعیین شده صورت می گیرد. به عنوان نمونه می توان به ضریب نقد شوندگی وثایق ملکی و سهام که معادل ۷۰ درصد آن در محاسبه ی ذخایر ملحوظ می گردد، اشاره کرد. در حالی که ارزش وثایق مذکور در شرایط اقتصاد تورمی و متناسب با رشد سایر قیمت ها افزایش می یابد در حالی که وثایق نقدی که دارای ضریب ۱۰۰ درصد است در این شرایط حداکثر معادل ارزش اولیه ی آن (وجوه نقد) می باشد.

درج عدم رعایت دستورالعمل و

بخشنامه های مزبور و نحوه و تأمین ذخیره مطالبات م.م در صورت های مالی بانکها در گزارش حسابرس مستقل اساساً به دلایل متعددی از جمله عدم انطباق نحوه ی ذخیره گیری به موجب دستورالعمل های صادره ی بانک مرکزی ج.ا.ا، عدم احتساب کامل ذخیره ی مطالبات توسط بانکها (این امر می تواند حسب مورد ناشی از عدم رعایت کامل، اطمینان کامل و نسبی از قابلیت وصول و باز یافت مطالبات با توجه به اعتبارسنجی مشتری و وثایق در اختیار، عدم پذیرش هزینه ی ذخایر خاص توسط مراجع مالیاتی و تحمل بار مالیاتی سنگین و ریسک نقدینگی مترتب از این بابت باشد) و همچنین شرایط سخت گیرانه ی بانک مرکزی نسبت به مؤسسات حسابرسی است. مؤسسات حسابرسی خود را متعهد و ملزم به درج موارد عدم رعایت با اهمیت بخشنامه ها (از جمله بخشنامه های مربوط به محاسبه ی ذخیره ی مطالبات مشکوک الوصول) در گزارش حسابرس مستقل و بازرسی قانونی می دانند.

فارغ از این که بر حسابرسان پوشیده نیست که در شرایط کنونی بسیاری از وثایق (علی الخصوص وثایق ملکی) قابلیت باز یافت کامل اصل و سود نقد شوندگی تنها هزینه های مضاعف را به بانکها تحمیل می کند و از سوی دیگر کارشناسی سالانه ی ارزش روز وثایق از حیث زمان و هزینه برای بانکها مقرون به صرفه نبوده و ضرایب تبدیل ارزش روز بانک مرکزی متناسب با ارزش واقعی و روز بازار اعلام نمی گردد، از این رو همان گونه که پیش تر معروض داشتم حسابرسان محترم تنها در رعایت دستورالعمل های بانک مرکزی معمولاً به این بند اشاره می کند در صورتی که بر همگان مبرهن است قابلیت باز یافت اصل و سود مطالبات از طریق تملیک وثایق به صورت کامل وجود دارد.



◀ مرتضی اسدی:

هدف بخشنامه‌ی مذکور جلوگیری از مدیریت سود و شناسایی سود موهوم، کامل بودن شناخت درآمد، جلوگیری از ارایه‌ی اطلاعات غیرواقعی به ذی‌نفعان و جلوگیری از گمراه کردن آن‌ها از عملکرد واقعی بانک‌ها بوده است. در صورت عزم جدی در اجرا، این بخشنامه می‌تواند آثار مثبتی بر شفافیت صورت‌های مالی بانک‌ها، ارایه‌ی تصویری واقعی از عملکرد مالی آن‌ها و همچنین افزایش کیفیت قابلیت‌مقایسه‌ی اطلاعات بانک‌ها داشته باشد. لیکن به تعویق انداختن تاریخ اجرای آن و پس از آن تعیین دوره‌ی گذار پنج‌ساله برای عدم‌شناخت درآمد بابت مطالبات معوق بدون وثیقه‌ی نقد و شبه‌نقد که با استانداردهای حسابداری نیز تناسبی ندارد، منجر به کاهش اثربخشی این بخشنامه در دستیابی به اهداف نظارتی تدوین آن و همچنین خدشه‌دار شدن جایگاه نظارتی نهاد ناظر به دلیل عقب‌نشینی از چارچوب‌های نظارتی ابلاغی به بانک‌ها شده است.

◀ جواد باغبان:

رشد فعالیت‌های پولی و بانکی در کشور (در یک دهه‌ی اخیر) و محوریت نظام بانکی و پولی در فعالیت‌های تمامی بنگاه‌های اقتصادی در کشور، مدیران بانک مرکزی ج.ا.ا. را بیش از پیش بر آن داشته است که بخشنامه‌های صادره خود را در خصوص شناسایی درآمدهای تسهیلات را هر چه بیش‌تر در جهت انطباق با استانداردهای حسابداری مصوب و اصول و قواعد حسابداری

۲

چالش شناسایی درآمد براساس دستورالعمل شماره‌ی ۹۸/۹۳۶۷۴ مورخ ۱۳۹۸/۰۳/۲۳ بانک مرکزی که از ابتدای سال ۱۳۹۸ لازم‌الاجرا بوده، شناسایی درآمد مطالباتی که به طبقه‌ی مشکوک‌الوصول منتقل می‌شوند، صرف‌نظر از نوع وثایق و تضامین آن‌ها متوقف خواهد شد. مطالباتی که دارای وثایق و تضامین نقد و شبه‌نقد حداقل تا ۱۰۰٪ مانده‌ی بدهی هستند، حداکثر تا زمان انتقال به طبقه‌ی مشکوک‌الوصول، درآمد آن‌ها قابل شناسایی است. صدور چنین بخشنامه‌هایی عملاً باعث کاهش درآمد و سودآوری بانک‌ها می‌شود. چنین بخشنامه‌هایی با چه توجیهاتی صادر می‌شود؟ آیا با استانداردهای حسابداری شناخت درآمد، سازگاری دارد؟

نزدیک‌تر سازد. با چنین رویکردی در یک دهه‌ی اخیر بانک مرکزی در چندین مرحله مبادرت به صدور بخشنامه‌هایی در خصوص شناسایی درآمدها برای تسهیلات اعطایی کرده که این بخشنامه‌ها در هر یک از زمان‌های صدور آن، با توجه به شرایط اقتصادی کشور، شناسایی درآمد تسهیلات را در طبقات مختلف طبقه‌بندی تسهیلات (به شرح توضیحات متن سؤال قبل) دشوارتر (برای مدیران بانکی که به فعالیت‌های غیر بانکی بیشتر علاقه‌مند بودند) و سخت‌تر یا بهتر بگوییم استانداردتر نموده است.

از طرف دیگر رشد درآمدهای غیر بانکی بانک‌ها در سال‌های اخیر و تغییر نگرش مدیران حاضر در بدنه‌ی بانکی به دلایل رکود اقتصادی حاکم بر وضعیت اقتصادی کشور، نیاز به صدور چنین بخشنامه‌هایی را برای مدیران مستقر در ساختمان شیشه‌ای بانک مرکزی ج.ا.ا. کاری روتین و یا در برخی مواقع ناگزیر کرده است. بدین ترتیب، صدور بخشنامه‌های این چنینی، گامی در جهت عدم شناسایی سود موهوم (رعایت مفاد اصلاحیه‌ی قانون تجارت) و الزام سازمان بورس و اوراق بهادار جهت حفظ منافع سهام‌داران و سپرده‌گذاران و همچنین در تطبیق با استانداردهای حسابداری بوده که این موضوعات در نگاه کلان‌تر به اقتصاد کشور از اقدامات مثبت و به‌جای مسئولین بانک مرکزی بوده است. بنابراین بنده روند مزبور را نه تنها در جهت کاهش شناسایی درآمد و سودآوری بانک تلقی نکرده، بلکه در جهت رعایت اصل امانت‌داری منافع سپرده‌گذاران و رابطه‌ی وکیل و موکلی و رعایت حقوق سهام‌داران می‌شمارم. بدین ترتیب مدیران بانکی بایستی در تلاش و کوشش برای ایجاد درآمدهای بانکی و مبادرت به فعالیت‌های بانکی نمایند که وظیفه‌ی اصلی این مدیران نیز همین موضوعات است.

◀ کورش پرویزیان:

بر اساس استانداردهای حسابداری برای شناسایی تعهدی درآمد باید قابلیت‌اتکای جریان نقدی آتی آن سنجیده شود. ارائه‌ی نسخه‌ی کلی برای پرونده‌های تسهیلاتی از سوی بانک مرکزی (با قصد کاهش ریسک و پیشگیری از شناسایی سود موهوم) عملاً در تضاد با این استاندارد است. طبق دستورالعمل شناسایی درآمد پرونده‌های مشکوک‌الوصول باید متوقف شود حال آن‌که طبق استاندارد چنانچه پرونده‌ای در طبقات جاری، سررسید گذشته و معوق باشند لیکن جریان نقد آن‌ها محتمل نباشد باید شناسایی درآمد آن نیز متوقف شود.

برعکس این موضوع احتمال وصول مطالبات مشکوک‌الوصول از طریق وثایق یا ضامین معتبر و حتی تفاهم انجام شده با بدهکار می‌تواند دلیلی برای شناسایی صحیح درآمد باشد. از سوی دیگر این نسخه‌ی بانک مرکزی بانک را در چالش با سازمان امور مالیاتی قرار می‌دهد زیرا از نظر سازمان کاهش درآمدهای بانک‌ها قابل‌پذیرش نبوده و قطعاً همانند رویه‌ای که برای سود سپرده‌ها در پیش گرفتند نسبت به محاسبه‌ی درآمد شناسایی نشده و اعمال ضرایب مالیاتی اقدام خواهند کرد. این خود بابتی جدید در اختلافات لاینحل بین بانک‌ها و سازمان امور مالیاتی خواهد بود. بنابراین این موضوع نیز باید از سوی نهادهای حاکمیتی تعیین تکلیف شود.

◀ علی صالح‌آبادی:

بر اساس دستورالعمل شماره‌ی ۹۸/۹۳۶۷۴ مورخ ۱۳۹۸/۰۳/۲۳ بانک مرکزی ج.ا.ا.، شناسایی درآمد مطالباتی که به طبقه‌ی مشکوک‌الوصول منتقل می‌شوند، از ابتدای سال ۱۳۹۸ متوقف شده است و پرسش مطرح شده این

است که مطالباتی که دارای وثایق و تضامین نقد و شبه نقد حداقل تا ۱۰۰٪ مانده بدهی هستند، حداکثر تا زمان انتقال به طبقه‌ی مشکوک‌الوصول، درآمد آن‌ها قابل‌شناسایی است و صدور چنین بخشنامه‌هایی عملاً باعث کاهش درآمد و سودآوری بانک‌ها می‌شود.

بر اساس طبقه‌بندی دارایی‌های بانک‌ها و مؤسسات اعتباری، مطالبات مشکوک‌الوصول شامل تمامی اصل و سود تسهیلاتی است که بیش از ۱۸ ماه از سررسید و یا از تاریخ قطع پرداخت اقساط آن سپری شده و مشتری هنوز اقدام به بازپرداخت بدهی خود نکرده باشد. فرض بر این است که اگر وصول مطالبات از محل تضمین ارایه‌شده طی مدت مذکور امکان‌پذیر باشد، بانک تا قبل از انتقال مطالبات به طبقه‌ی مشکوک‌الوصول نسبت به وصول آن اقدام خواهد نمود. بنابراین انتقال مطالبات به طبقه‌ی مشکوک‌الوصول بدین معنی خواهد بود که بانک امکان وصول طلب از محل تضامین موصوف را نداشته و به تبع آن درآمدی هم حاصل نشده است، در نتیجه شناسایی درآمد مطابق با استانداردهای حسابداری امکان‌پذیر نبوده و بانک مرکزی ج.ا.ا. به درستی دستور توقف آن را صادر کرده است.

◀ فرهاد نیلی:

مطابق بخشنامه‌ی ۹۸/۹۳۶۷۴ مورخ ۱۳۹۸/۰۳/۲۳ بانک مرکزی ج.ا.ا.، شناسایی درآمد مطالبات در طبقه‌ی مشکوک‌الوصول صرف‌نظر از نوع وثایق و تضامین متوقف می‌شود. طی همان بخشنامه نیز شناسایی درآمد مطالبات در طبقه‌ی معوق می‌بایست طی یک دوره‌ی گذار پنج ساله یعنی از سال ۱۴۰۳ متوقف شود. فلسفه‌ی بانک مرکزی شامل این موضوع است که مطالبات مشکوک‌الوصول مطالباتی که بیش از ۱۸ ماه از سررسید آخرین



درآمد ایشان را در هر دوره کاهش می‌دهد و خود منجر به عدم رعایت اصل تطابق می‌گردد. بانک‌ها در راستای حفظ و امانت‌داری از سرمایه‌ی سهام‌داران و سپرده‌گذاران اقدام به دریافت وثایق و به‌منظور ضمانت و پوشش بدهی‌های مشتریان می‌کنند و با توجه به اصل رجحان محتوی بر شکل، شناسایی درآمد مطالبات غیر جاری به حیث حفظ صیانت از ذی‌نفعان می‌بایست صورت پذیرد.

چالش نرخ تسعیر ارز طبق بخش‌نامه‌های



بانک مرکزی، بانک‌ها و مؤسسات اعتباری، ملزم شده‌اند که دارایی‌ها و بدهی‌های ارزی خود را طبق نرخ‌های تسعیر ارز دستوری در صورت‌های مالی خود منعکس کنند. نرخ‌های دستوری مزبور در انطباق با استانداردهای حسابداری مبنی بر تسعیر دارایی‌ها و بدهی‌های ارزی بر اساس نرخ ارز قابل دسترس در

استانداردهای حسابداری بوده عدم توجه به وثایق در اختیار بانک‌ها در ارزیابی مفهوم ورود جریان منافع اقتصادی به درون مؤسسه‌ی اعتباری است. بدون تردید ضوابط اعلامی منجر به کاهش درآمدهای عملیاتی بانک‌ها شده و این موضوع اصل تطابق (درآمد و هزینه‌های دوره) را مخدوش خواهد کرد. ضمن آن که کاهش درآمدهای عملیاتی ناشی از سود تسهیلات (مصارف) منجر به ایجاد تفاوت بااهمیت بین هزینه‌های سود پرداختی به سپرده‌گذاران و درآمد شناسایی‌شده بر این اساس می‌گردد که این موضوع از حیث مالیاتی عیناً به‌عنوان هزینه‌ی غیر قابل قبول مالیاتی تلقی و بار مالی سنگینی را متوجه بانک‌ها نموده و ریسک نقدینگی را در بانک‌ها افزایش می‌دهد. که البته اتخاذ این تدابیر توسط بانک مرکزی بیش‌تر جنبه‌ی محافظه‌کارانه و رعایت جانب احتیاط در شناسایی درآمد داشته و با هدف صیانت از منافع سپرده‌گذاران و سهام‌داران بوده است که از سوی دیگر

قسط پرداختی آن گذشته است. طی این فاصله‌ی زمانی، بانک هیچ قسطی دریافت نکرده است و جریان نقدی از بابت مطالبات وجود نداشته است. بنابراین شناسایی درآمد بیش‌تر از این محل، احتمالاً قابلیت باز یافت نخواهد داشت.

مطابق استانداردهای حسابداری شناسایی درآمد با توجه به قابلیت باز یافت مطالبات، تا مرز پوشش بدهی از طریق ارزش وثایق و تضامین شناسایی درآمد امکان‌پذیر است به دلیل آن که ورود جریان منافع اقتصادی (ولو از طریق تملیک وثایق) به درون واحد تجاری (شرط اساسی شناسایی درآمد) محتمل و امکان‌پذیر است. اما در صورتی که ورود جریان منافع اقتصادی به درون واحد تجاری با ابهام همراه باشد، شناسایی درآمد مجاز نخواهد بود. بخش‌نامه‌های بانک مرکزی ج.ا.ا با استناد به استانداردهای حسابداری ایران صادر و به شبکه‌ی بانکی برای اجرا ابلاغ می‌شود. آن‌چه در عدم تطابق با

تاریخ صورت وضعیت مالی و یا تاریخ انجام معامله (حسب مورد) نبوده و به همین دلیل موضوع در گزارش حسابرسی صورت‌های مالی بانک‌ها و مؤسسات اعتباری به‌عنوان تحریف از استانداردهای حسابداری گزارش شده است. اعلام نرخ دستوری فوق مبتنی بر چه توجیهی و ملاحظاتی است؟ آثار نامطلوب آن چه تأثیری بر شفافیت اطلاعات مالی و عملکرد بانک‌ها دارد؟

◀ مرتضی اسدی:

به دلیل شرایط خاص اقتصادی کشور از جمله تحریم‌های اقتصادی که منجر به افت قابل توجه ارزش ریال نسبت به سایر ارزها شده است، ناظر بانکی با توجیه کنترل نرخ ارز و جلوگیری از شناسایی سود تسعیر ارز باتوجه به ابهام‌های قابل ملاحظه نسبت به جریان‌های نقدی ارزی و نوسان‌های شدید نرخ ارز، اقدام به اعلام نرخ دستوری کرده است. تسعیر نکردن معاملات و مانده‌های حساب‌های ارزی بانک‌ها بر مبنای نرخ‌های جاری‌های نقدی آتی ناشی از معاملات یا مانده‌های حساب مربوط، برحسب آن تسویه می‌شود، منجر به کاهش مربوط بودن اطلاعات و به تبع آن شفاف نبودن وضعیت مالی و عملکرد مالی بانک‌ها و در نهایت گمراهی استفاده‌کنندگان اطلاعات مالی بانک‌ها از جمله دولت و بازار پول و سرمایه می‌شود. بانک مرکزی در آخرین بخشنامه‌ی خود انعطاف بیش‌تری نشان داده و نرخ‌های اعلامی برای گزارشگری سال ۱۳۹۹ را نزدیک‌تر به نرخ‌های واقعی اعلام کرده است.

نکته‌ی مهم در تسعیر حساب‌های ارزی بانک‌ها به‌خصوص در شرایط فعلی تحریم و شیوع ویروس کرونا، محتمل بودن جریان‌های نقدی در آینده‌ی قابل پیش‌بینی و قابلیت بازیافت دارایی‌های ارزی است که باید مورد توجه ویژه

قرار گیرد.

◀ جواد باغبان:

بر اساس قوانین پولی و بانکی و مصوبات شورای پول و اعتبار، مرجع تدوین‌کننده در خصوص نگهداری و وضعیت حساب‌های بانک‌ها، نمایش، طبقه‌بندی و نحوه‌ی انعکاس در صورت‌های مالی و مبنای اندازه‌گیری و حتی تهیه‌ی صورت‌های مالی نمونه‌ی بانک‌ها، بانک مرکزی ج.ا.ا. است. با چنین رویکردی بانک مرکزی ج.ا.ا. از سنوات قبل نسبت به تهیه‌ی صورت‌های مالی نمونه اقدام نموده و بر این اساس در خصوص تهیه‌ی حساب‌ها و نحوه‌ی گزارشگری آن نیز دستورالعمل‌ها و بخشنامه‌هایی را صادر کرده است. نحوه‌ی اندازه‌گیری اقلام دارایی و بدهی ارزی و نحوه‌ی نگهداری این حساب‌ها در صورت‌های مالی بانک‌ها نیز از این قاعده مستثنی نبوده و بانک مرکزی با ابلاغ دستورالعمل‌ها و بخشنامه‌های صادره این موارد را تصریح کرده است. از طرفی با توجه به نوسانات ارزی موجود در کشور و وجود نرخ‌های متعدد برای یک ارز در محیط اقتصادی ایران و تعدد معاملات ارزی بانک‌ها برای بنگاه‌های اقتصادی، در چند سال اخیر بانک مرکزی پیرو بخشنامه‌های نرخ‌های تسعیر اقلام دارایی‌ها و بدهی‌های ارزی را به بانک‌ها اعلام و مدیران بانکی را ملزم به رعایت نرخ‌های مندرج در این بخشنامه‌ها و انعکاس این ارقام در صورت‌های مالی بانک‌ها کرده است. از چند جنبه می‌توان به ابلاغ چنین نرخ‌هایی توسط مقامات محترم بانک مرکزی ج.ا.ا. پرداخت. نخست این‌که مطابق با بند ۲۶ استاندارد حسابداری شماره‌ی ۱۶ مصوب سازمان حسابرسی اقلام دارایی و بدهی پولی، در شرایط وجود نرخ‌های متعدد برای یک ارز می‌بایستی بر اساس مبالغی که انتظار می‌رود موارد مذکور با آن تسویه شود،

تسعیر گردد که این موضوع به دلیل این‌که نرخ‌های زمان تسویه از نرخ‌های اعلامی بیش‌تر می‌باشد نادیده گرفته شده و باعث بروز اختلاف بین مدیران بانک‌ها و حساب‌رسان مستقل به عنوان یکی از ارکان نظارت بر عملکرد بانک‌ها گردیده که منجر به صدور بند شرط در گزارش حسابرسی بانک‌ها شده است. دوم این‌که در بخشنامه‌های اعلامی بانک مرکزی ج.ا.ا. تصریح شده که این سود به هیچ عنوان قابل تقسیم بین سهام‌داران نبوده و بانک‌ها صرفاً با رعایت موازین و مقررات بانک مرکزی می‌توانند از این منافع به عنوان افزایش سرمایه استفاده کنند و در صورت‌های مالی به‌عنوان یک قلم سایر اندوخته در حساب‌ها انعکاس یابد. تمامی موارد مزبور با مفاد اصلاحیه‌ی قانون تجارت در تضاد بوده که مشکلی بر دیگر مشکلات گریبان‌گیر بانک‌ها اضافه کرده است. سوم این‌که با توجه به صدور رأی شورای عالی مالیاتی در اسفند ماه ۱۳۹۹ مبنی بر غیر قابل‌پذیرش بودن این نرخ‌ها که اخیراً صادر شده و همچنین نامه‌ی رییس سازمان بورس و اوراق بهادار (اردیبهشت ماه ۱۴۰۰) به وزیر امور اقتصاد و دارایی مبنی بر این‌که تعیین چنین نرخ‌هایی منجر به عدم آرایه‌ی اطلاعات شفاف توسط بانک‌ها در بورس می‌گردد خود گواه این مطلب است که این نرخ‌ها حاکمیتی و دستوری بوده و از نگاه کارشناسانه با آن تهیه و آرایه نشده است.

◀ کورش پرویزیان:

در کلیه‌ی سنوات پیش از این، رهنمود کلی بانک مرکزی جهت تسعیر اقلام ارزی صورت‌های مالی بانک‌ها، استفاده از نرخ مرجع بانک مرکزی بوده است. با توجه به تحریم‌های ظالمانه و افزایش اختلاف بین نرخ ارز در بازارهای رسمی و غیر رسمی عملاً بانک‌ها با چالش گزارشگری اقلام ارزی

مواجه شدند. بر این اساس با توجه به اشراف بانک مرکزی بر ماهیت و قابلیت دسترسی اقلام ارزی ترازنامه‌ی بانکها، آن بانک نسبت به صدور بخشنامه‌ی ابلاغ نرخ‌های تسعیر اقدام نمود تا ضمن حفظ منافع بانکها، ملاحظات احتیاطی نیز مد نظر قرار گرفته باشد. اختیار قانونی بانک مرکزی در حوزه‌ی ارز و معاملات ارزی و نحوه‌ی تنظیم صورت وضعیت مالی بانکها منبعت از قانونی پولی و بانکی است و استاندارد ۱۶ حسابداری نیز این امکان را داده است تا در صورت وجود مقررات خاص برای معاملات ارزی از آن برای تعیین نرخ تسعیر ارز استفاده شود. بنابراین رویه‌ی مورد عمل بانک مرکزی صحیح است. شایان ذکر است که با توجه به افشای وضعیت ارزی بانکها در صورت‌های مالی حسابرسی شده که در دسترس عموم است، تحلیل‌گران قادر به تعدیلات احتمالی براساس مفروضات خود خواهند بود.

◀ علی صالح‌آبادی:

دارایی‌ها و بدهی‌های پولی ارزی بانکها به استناد بخشنامه‌ی شماره‌ی ۰۰/۳۷۸۷۳ مورخ ۱۴۰۰/۰۲/۱۱ بانک مرکزی (جزء الف) بند (۱) بخشنامه‌ی شماره ۹۸/۴۵۰۵۰۸ مورخ ۱۳۹۸/۱۲/۲۸ موضوع ابلاغ نرخ و نحوه تسعیر اقلام پولی دارایی‌ها و بدهی‌های ارزی شبکه‌ی بانکی) بر مبنای نرخ ۱۹۰٫۰۰۰ ریال برای هر یورو و ۱۵۹٫۰۰۰ ریال برای هر دلار و سایر ارزها بر مبنای نرخ برابری آن به یورو برای پایان سال مالی ۱۳۹۹ در نظر گرفته شده است. طبق استانداردها و براساس اظهار نظر حسابرس مستقل بانک، در صورت وجود نرخ‌های متعدد برای یک ارز، از نرخ‌ی برای تسعیر باید استفاده شود که جریان‌های نقدی آتی ناشی از معامله یا مانده حساب مربوط بر مبنای آن تسویه می‌گردد اما بانکها

موظف به اعمال نرخ‌های اعلامی از سوی بانک مرکزی هستند.

دلایل انحراف از استانداردهای حسابداری و اثرات ناشی از آن (از قبیل تفاوت تسعیر ارز در حقوق صاحبان سهام، سایر اقلام سود و زیان جامع، ارزش دارایی‌ها و بدهی‌های ارزی در ترازنامه، تغییرات درآمدها و هزینه‌های ارزی به‌ویژه هزینه‌ی مطالبات مشکوک‌الوصول تسهیلات ارزی و سایر اقلام بااهمیت) درآمدها باید در صورت‌های مالی بانکها افشا شود. عدم افشای اطلاعات مذکور در صورت‌های مالی بانکها، شفافیت صورت‌های مالی و عملکرد بانکها را به‌ویژه برای بانکهایی که بخش عمده‌ای از فعالیت آن‌ها ارزی است به میزان قابل توجهی کاهش می‌دهد. ضمن این‌که پیاده‌سازی استاندارد مربوطه نیازمند زیرساخت‌های نرم‌افزاری لازم است تا بانکها بتوانند اثرات چند نرخ‌ی بودن ارز را گزارش نمایند.

رییس کل بانک مرکزی در مورخ ۱۴۰۰/۰۲/۰۵ عنوان کرده است بانک مرکزی آمادگی اصلاح نرخ تسعیر دارایی‌های ارزی بانکها را متناسب با نرخ تسعیری که مناسب شرایط غیرتحریمی باشد دارد و معتقد است اعطای معافیت مالیات سود ناشی از تسعیر تا زمان تحقق یافتن آن، ضروری است تا اصلاح نرخ تسعیر ارز بر قیمت سهام بانکها اثرگذار باشد. همچنین، بانک مرکزی اصلاح نرخ ارز را نیازمند توجه به نکات زیر می‌داند:

- دارایی‌های ارزی بانکها، عمدتاً مطالبات از بنگاه‌ها هستند و بخشی از دارایی‌ها نیز به دلیل تحریم‌ها در حال حاضر مسدودند که وصول مطالبات ارزی و بعضاً معوق را با نرخ‌های فعلی ارز در بازار، با مشکلاتی همراه کرده است. - تسعیر مطالبات ارزی بانکها با نرخ بالاتر، باعث شناسایی درآمد موهومی بیشتر و سود بی‌کیفیت می‌شود و لذا

ارائه‌ی عملکرد غیرواقعی و پرداخت مالیات نقدی است.

مدیریت نرخ ارز در بازار آزاد و مهار بار روانی آن در جامعه که اصطلاحاً «انتظارات تورمی» نامیده می‌شود از اهم اهداف بانک مرکزی در اعلام نرخ دستوری برای تسعیر دارایی‌ها و بدهی‌های ارزی بانکها بوده، و با عملیات روزمره بانکها که با استفاده از نرخ‌های بسیار متفاوت از نرخ ارز بانک مرکزی صورت می‌گیرد مطابقت نداشته، و عدم شفافیت صورت‌های مالی بانکها را موجب می‌شود. به عبارت دیگر دارایی‌ها و بدهی‌های بانکها به جای تقویم بر مبنای عرضه و تقاضای بازار، با رویکرد کنترل اقتصاد ملی و به عبارت صحیح‌تر به‌عنوان ابزاری برای ایجاد موازنه در اقتصاد مورد استفاده قرار می‌گیرد. بدیهی است مراتب در مغایرت با استانداردهای حسابداری بوده، و همواره به‌عنوان اولین شرط در بندهای گزارش حسابرس و بازرس قانونی قید می‌شود. این موضوع علاوه بر اثرات سوء آن بر روابط کارگزاری به‌ویژه با کارگزاران بانکی خارجی، در فرآیند رتبه‌بندی بانکها هم ایجاد اختلال می‌کند.

◀ فرهاد نیلی:

طبق استاندارد حسابداری شماره‌ی ۱۶ اقلام پولی ارزی باید به نرخ ارز در تاریخ ترازنامه تسعیر شود و در صورت وجود نرخ‌های متعدد برای یک ارز، از نرخ‌ی برای تسعیر استفاده می‌شود که جریان‌های نقدی آتی ناشی از معامله یا مانده‌ی حساب برحسب آن تسویه می‌شود.

مطابق بخشنامه‌های بانک مرکزی اقلام پولی ارزی باید به نرخ اعلامی تسعیر شود. طبق دستورالعمل ۱۳۹۳/۶/۲۲ مورخ ۲۰۰۹/۹۳/۵۲۴ سازمان امور مالیاتی و اصلاحی شماره‌ی ۲۰۰۹/۹۷/۱۷۲ مورخ ۱۳۹۷/۱۲/۲۲ در مواقعی که برای تسعیر ارز، نرخ‌های متعددی (شامل نرخ رسمی، بازار



ثانویه «سامانه‌ی نیما» و نرخ آزاد «سنا» وجود داشته باشد، می‌بایست با ملحوظ نظر داشتن این که مؤدی مالیاتی مطابق مقررات مکلف به تسویه حساب به چه نرخ می‌باشد تسعیر انجام شود. به موجب بند ب ماده ۱۱ قانون پولی و بانکی، نظارت بر بانک‌ها و مؤسسات اعتباری، طبق مقررات این قانون برعهده‌ی بانک مرکزی است و در ماده‌ی ۱۴ قانون یادشده موارد نظارت و دخالت بانک مرکزی در امور پولی و بانکی با تصویب شورای پول و اعتبار احصا شده است. بنابراین وظیفه‌ی تعیین نرخ تسعیر ارز یا اندازه‌گیری دارایی‌ها و بدهی‌های ارزی بانک‌ها توسط بانک مرکزی در مقررات قانونی مربوط احصا نشده و با توجه به این که نرخ تسعیر ارز اعلامی بانک مرکزی برای انجام تسعیر ارز دارایی‌ها و بدهی‌های ارزی بانک‌ها هیچ‌گونه مبنای معاملاتی برای بانک‌ها ندارد، لذا از نظر مالیاتی نرخ اعلامی مذکور مورد پذیرش سازمان امور مالیاتی نیست. بنابراین سازمان امور مالیاتی از بانک‌ها بر مبنای نرخ نیمایی مالیات مطالبه می‌کند که این روش مورد تأیید شورای عالی مالیاتی هم قرار گرفته است.

شرایط فوق منجر به آن شده که بانک‌ها تسعیر ارز اقلام پولی را بر اساس نرخ اعلامی بانک مرکزی شناسایی می‌کنند اما بر اساس نرخ نیمایی مالیات می‌پردازند. همچنین باید این موضوع را در نظر داشت که شناسایی سود تسعیر ارز بر اساس نرخ‌های اعلامی بانک مرکزی باعث تعویق شناسایی سود تسعیر ارز از یک دوره به دوره‌های بعد و تزییع حقوق سهام‌داران می‌شود، همچنین انعکاس اقلام دارایی‌ها و بدهی‌های ارزی در صورت‌های مالی از شفافیت لازم (با توجه به نرخ‌های قابل دسترس ارز در تاریخ ترازنامه) برخوردار نخواهد بود.

به نحوی با این موضوع در گزارش خود برخورد نماید. نظر شما در این خصوص چیست؟ راهکار برون‌رفت از این چالش کدام است؟

◀ مرتضی اسدی:

نبود تعامل مناسب بین ناظران بازار پول، بازار سرمایه و نهاد استانداردگذار و بانک‌ها در تدوین صورت‌های مالی نمونه‌ی واحد، علاوه بر تحمیل هزینه‌های اضافی، منجر به سردرگمی تهیه‌کنندگان صورت‌های مالی و درج بند عدم‌افشای مناسب طبق استانداردهای حسابداری در گزارش حسابرس بانک‌ها و در نتیجه کاهش کیفیت و اثربخشی گزارشگری مالی بانک‌ها شده است. این مشکل از طریق تشکیل کارگروه با حضور نمایندگان بانک مرکزی، سازمان بورس و اوراق

چالش نحوه‌ی تنظیم صورت‌های مالی بانک‌ها و مؤسسات اعتباری، صورت‌های مالی خود را براساس الزامات بانک مرکزی و مطابق صورت‌های مالی نمونه‌ی ابلاغی آن بانک تهیه می‌کنند که در مواردی با استانداردهای حسابداری ایران مطابقت ندارد. از طرف دیگر بانک‌های ناشر ملزم هستند، صورت‌های مالی خود را طبق صورت‌های مالی نمونه‌ی ابلاغی سازمان بورس و اوراق بهادار که با نمونه‌ی ابلاغی بانک مرکزی متفاوت است، تهیه کنند. این چالش سنواتی منجر به آن گردیده که چنانچه بانک‌های ناشر به هریک از دو روش مزبور صورت‌های مالی خود را تهیه کنند، حسابرس مستقل می‌بایست



بهدار، سازمان حسابرسی و بانک‌های عامل و به‌روزرسانی مداوم صورت‌های مالی نمونه متناسب با آخرین اصلاحات استانداردها و دستورالعمل‌های نظارتی به‌راحتی قابل حل است. نه‌تنها در زمینه‌ی صورت‌های مالی نمونه بلکه در رابطه با بسیاری از بخشنامه‌های نظارتی از جمله راهبری شرکتی، نیز برقراری تعامل مناسب بین ناظرین و حسابرسان و برگزاری جلسات مشترک و به اشتراک گذاشتن آگاهی‌ها و نگرانی‌ها و رویکردهای کنترلی بین آن‌ها می‌تواند با افزایش اثربخشی و کارایی نظارت بانکی و کیفیت گزارش حسابرس همراه باشد. نحوه‌ی عمل در خصوص این تعامل می‌تواند در چارچوب مدل ارائه شده توسط مؤسسه‌ی ثبات مالی (FSI)^۱ تحت عنوان «مدل چهار خط دفاعی برای مؤسسات مالی» که در آن نهاد ناظر و حسابرس مستقل به عنوان خط چهارم دفاعی در نظر گرفته شده است، صورت پذیرد.

◀ جواد باغبان:

در سال‌های ۱۳۹۳ الی ۱۳۹۵ با پدیده‌ی تأخیر در برگزاری مجامع به دلیل بروز اختلافات از سوی مقامات بانک مرکزی ج.ا.ا. و سازمان حسابرسی مواجه شده‌ایم که این موضوع در شهریور ماه ۱۳۹۶ با میانجی‌گری وزیر وقت امور اقتصاد و دارایی فی‌مابین بانک مرکزی ج.ا.ا. و سازمان حسابرسی به پایان رسیده و تأکید مجدد وزیر محترم مبنی بر این‌که تهیه‌ی صورت‌های مالی نمونه‌ی ابلاغی بانک‌ها جزو وظایف بانک

مرکزی و استانداردگذاری درخصوص اصول حسابداری نیز از وظایف سازمان حسابرسی است. بنابراین در سال‌های یاد شده تا قبل از حل اختلاف و بروز این مشکل برخی از بانک‌ها (عمدتاً بانک‌های خصوصی) با دو رویکرد صورت‌های مالی را تهیه کرده‌اند یکی از این رویکردها صورت‌های مالی بر اساس استانداردهای حسابداری و دیگری بر اساس مقررات بانک مرکزی ج.ا.ا. تهیه شده است که منجر به صدور دو نوع گزارش حسابرسی برای این بانک‌ها توسط سازمان حسابرسی گردیده است. در این سال‌ها مؤسسات حسابرسی عضو جامعه‌ی حسابداران رسمی با توجه به رویکرد استانداردهای حسابرسی شماره‌ی ۷۰۰ و به پشتوانه‌ی تهیه‌ی صورت‌های مالی نمونه بانک مرکزی توسط مدیران بانک‌ها، مبادرت به صدور یک نوع گزارش کرده‌اند که موارد اختلاف با مقررات بانک مرکزی و همچنین استانداردهای حسابداری در گزارشگری بانک‌ها مطرح شده است.

موارد افتراقی بین صورت‌های نمونه‌ی بانک‌ها با استانداردهای حسابداری وجود داشته است. یکی از موارد افتراق اساسی اضافه کردن یکی از صورت‌های مالی اساسی در بانک‌ها تحت عنوان صورت عملکرد سپرده‌های سرمایه‌گذاری به‌عنوان صورت مالی اساسی و انعکاس حقوق صاحبان سپرده‌ها نیز تحت عنوان یک قلم جداگانه بعد از بدهی‌ها در صورت‌های مالی بر خلاف استانداردهای حسابداری بوده که این موضوعات به چالش‌هایی در نظام بانکی کشور تبدیل

شده بود.

لازم به توضیح است که در آخرین ویرایش صورت‌های مالی نمونه‌ی ابلاغی بانک‌ها توسط بانک مرکزی این مشکلات با توجه به رویکرد تعامل‌گرایانه در راستای ادامه‌ی تفاهم‌نامه‌ی همکاری رؤسای محترم بانک مرکزی و سازمان حسابرسی نیز با ارایه‌ی صورت عملکرد سپرده‌های سرمایه‌گذاری در یادداشت‌های پیوست و همچنین انعکاس حقوق صاحبان سپرده‌های سرمایه‌گذاری به‌عنوان یکی از اقلام بدهی‌ها ختم به خیر شده است.

متعاقب تغییر استانداردهای حسابداری و مصوب سازمان حسابرسی در سال ۱۳۹۷ (لازم الاجرا از ابتدای سال ۱۳۹۸) این مشکلات که صورت‌های مالی نمونه‌ی ابلاغی سازمان بورس و اوراق بهادار و بانک مرکزی با استانداردهای حسابداری در تضاد بوده نیز اضافه شد و در حسابرسی صورت‌های مالی بانک‌ها در پایان سال ۱۳۹۸ نیز این موارد عمده‌تاً در گزارش‌های حسابرسان مستقل بانک‌ها به صورت بندهای شرط بیان شده است. حال در چنین فضایی به طور کلی به نظر بنده رفع این چالش‌ها، مستلزم هماهنگی بین کلیه‌ی نهادهای ناظر بر فعالیت بانک‌ها از جمله بانک مرکزی، سازمان بورس و اوراق بهادار، سازمان حسابرسی و مؤسسات عضو جامعه‌ی حسابداران رسمی و معتمد بانک مرکزی ج.ا.ا. به منظور تهیه‌ی یک چارچوب گزارشگری جامع و شفاف طبق الزامات تمامی بازوان نظارتی است

۱- مؤسسه‌ی ثبات مالی (Financial Stability Institute) در سال ۱۹۹۸ توسط بانک تسویه‌ی بین‌المللی (BIS) و کمیته‌ی نظارت بانکی بال (BCBS) به منظور کمک به ناظران در سراسر جهان برای بهبود و تقویت سیستم‌های مالی آن‌ها تأسیس شده است. اهداف این مؤسسه عبارتند از:

- ترویج شیوه‌ها و استانداردهای نظارت درست در سطح جهانی و حمایت از پیاده‌سازی کامل این استانداردها در همه‌ی کشورها،
- به‌روز نگاه‌داشتن ناظران در زمینه‌ی آخرین اطلاعات مربوط به محصولات، شیوه‌ها و تکنیک‌های بازار،
- فراهم آوردن محلی برای بحث‌ها و به اشتراک گذاشتن تجربیات و شیوه‌های نظارت، و
- بهبود همکاری و هماهنگی نظارتی بین بخش‌ها و مرزهای بین‌المللی.

تا در نهایت نیازهای اطلاعاتی کلیه ذی‌نفعان صورت‌های مالی بانک‌ها فراهم شود. گواه این مطلب این که مسئولان محترم بانک مرکزی در این خصوص گام برداشته و جلساتی را با هماهنگی صاحب‌نظران از جمله سازمان حسابرسی و جامعه‌ی حسابداران رسمی، کارشناسان محترم نظام بانکی و ... جهت تهیه‌ی صورت‌های مالی نمونه‌ی جدید مطابق با استانداردهای حسابداری از سال ۱۳۹۹ در دستور کار قرار داده و هم اکنون نیز این موضوعات در حال پیگیری است.

« کورش پرویزیان:

در سال ۱۳۹۵ صورت‌های مالی ابلاغی بانک مرکزی نسبت به فرمت ابلاغی سازمان حسابرسی، به‌روزتر و جامع‌تر بود. با ابلاغ استانداردهای جدید، بانک مرکزی باید فرمت خود را تعدیل می‌کرد که حسب اطلاعات در اختیار این کار در حال انجام است و از بانک‌ها نیز نظرسنجی شده است. اصولاً فرمت ابلاغی سازمان بورس همان فرمت سازمان حسابرسی است و در واقع حسابرسان با دو فرمت مواجه‌اند. ملاحظاتی خاص نظام بانکداری می‌طلبد فرمت گزارشگری آن در بخش‌های خاصی نظیر ریسک‌ها و افشاها با فرمت‌های عمومی متفاوت باشد. نکته‌ی مهم آن‌که فرمت صورت مالی جزء استانداردهای حسابداری و گزارشگری نیست و حسابرسان باید در برخی ایرادات به رعایت استانداردها در صورت‌های گزارش شده توجه بیشتر کنند تا این‌که به شکل توجه نمایند نظیر استفاده از واژه‌ی ترازنامه یا صورت وضعیت مالی.

« علی صالح‌آبادی:

آنچه مسلم است این که تدوین استانداردهای حسابداری در حوزه‌ی وظایف سازمان حسابرسی بوده، و ورود

بانک مرکزی به فرآیند تدوین استانداردها و ارائه‌ی صورت‌های مالی نمونه، امر پسندیده‌ای نیست؛ به‌ویژه آن‌که اهداف و نوع نگرش بانک مرکزی به فعالیت‌های اقتصادی، گاه با نوع نگرش سازمان بورس و اوراق بهادار هم مطابقت نداشته و به عبارت دیگر هماهنگی بین بازار پول و بازار سرمایه هم وجود ندارد. این تفاوت دیدگاه در تمامی بانک‌ها علی‌الخصوص بانک‌های بورسی مشکلات عدیده‌ای را موجب شده، و علاوه بر افزایش یک بند به بندهای گزارش حسابرس و بازرس قانونی، فرآیند تهیه‌ی صورت‌های مالی بانک‌ها را نیز سخت‌تر و طولانی‌تر کرده است.

برون رفت از این مشکل در گروه هماهنگی بین سازمان حسابرسی، بانک مرکزی و سازمان بورس و اوراق بهادار بوده، و مهم‌تر از آن تفکیک وظایف هر کدام از سه سازمان یادشده متناسب با اهداف تعیین شده برای هر کدام از آن‌ها به شرح مندرج در اساسنامه‌های مربوطه است. تابعیت محض سازمان حسابرسی از برخی قوانین و مقررات غیرمنطبق با نیازهای روز اقتصاد جهانی، از مشکلات سازمان حسابرسی است. ثبت دفاتر قانونی روزنامه و کل حتی در شکل ثبت خلاصه‌ی عملیات ماهانه، یا دفتر نقل و انتقال سهام از جمله این موارد است که بر مبنای قوانین موضوعه در حدود یک قرن پیش صورت می‌گیرد. حال آن‌که در این فاصله‌ی زمانی، هم بازار پول و هم بازار سرمایه به‌طرز چشمگیری رشد و توسعه پیدا کرده است. علاوه بر آن حاکمیت فرهنگ مسئولیت‌گریزی در بین همکاران سازمان حسابرسی، علاوه بر آن‌که سازمان یادشده را از اهداف اصلی آن دور کرده است قابلیت استفاده از گزارش‌های حسابرسی برای استفاده‌کنندگان از آن‌ها را نیز محدود کرده است، به گونه‌ای که کثرت بندهای غیرضرور که با رویکرد سلب‌مسئولیت از خود در گزارش‌های حسابرسی درج

می‌شود بندهای ضروری و اهمیت آن‌ها را تحت‌الشعاع قرار داده است. به عبارت دیگر محتوا فدای شکل شده است. گسترش این فرهنگ در بین حسابرسان موجب شده است که سازمان حسابرسی به جای پرداختن به مسائل و مشکلات روز سازمان‌ها، به برخی موضوعات منسوخ شده مشغول، و در رویکردی بی‌روح و کلیشه‌ای، گزارش‌های غیرمفیدی را در اختیار استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی قرار دهد.

اشتغال حسابرسان به آنچه که اشاره شد موجب شده است که سازمان حسابرسی هم از بعد نیروی انسانی و هم از منظر دانش فنی، متناسب با نیازهای روز جامعه تجهیز نشده، و در فرآیندی جامانده از دانش روز، حتی گاه به ابزاری دست‌وپاگیر هم تبدیل شود. فرمت نمونه IFRS از جمله این جاماندگی‌ها بوده، اقدام دیرهنگام سازمان حسابرسی برای تدوین آن موجب شد بانک مرکزی رأساً دست به کار شده، فرمت یادشده را بنا به سلیقه‌ی خود تهیه و به شبکه‌ی بانکی کشور تکلیف نماید. بدیهی است جریان این جاماندگی در گروه تحول فکری مقدم بر تحول ابزاری در سازمان حسابرسی است.

« فرهاد نیلی:

ناهماهنگی سازمان بورس و بانک مرکزی در ارائه‌ی نسخه‌ی واحد صورت‌های مالی نمونه‌ی بانک‌ها و مؤسسات اعتباری باعث بروز مشکلاتی در انطباق با استانداردهای حسابداری و درج این موضوع در گزارش حسابرس مستقل بانک‌ها شده است. در این خصوص همراهی و همفکری دو نهاد فوق و سازمان حسابرسی به‌عنوان متولی تدوین استانداردهای حسابداری ایران می‌تواند این مشکل را مرتفع کند. صورت‌های مالی نمونه‌ی بانک مرکزی، ابلاغی در سال ۱۳۹۴، حاوی



کامپیوتری و نرم‌افزاری، به‌ویژه استفاده‌ی گسترده از اینترنت و خودپردازها، انجام می‌شود، حساب‌رسان مستقل برای حسابرسی صورت‌های مالی، ارزیابی ریسک تحریف بااهمیت و آزمون محتوای عملیات و خدمات و تراکنش‌های بانکی، با چه چالش‌هایی مواجه هستند؟ آیا مؤسسات حسابرسی عهده‌دار حسابرسی صورت‌های مالی بانک‌ها و مؤسسات اعتباری، از کارکنان و کارشناسان حرفه‌ای با مهارت‌های لازم، همچنین دستورالعمل‌های ویژه برای حسابرسی بانک‌ها و مؤسسات اعتباری، برخوردارند؟ اعضای گروه حسابرسی بانک‌ها و مؤسسات اعتباری باید از چه مهارت‌هایی برخوردار باشند؟

به دلیل عدم انطباق با استاندارد حسابداری موجب درج بند شرط در گزارش حسابرسی بانک‌ها می‌شد که در نهایت با رایزنی بانک‌ها، جامعه‌ی حسابداران رسمی و سازمان حسابرسی از صورت‌های مالی اساسی بانک‌ها حذف و به یادداشت‌های توضیحی منتقل شد. این صورت نشان‌دهنده‌ی مزاد و کسری مبالغ پرداختی به سپرده‌گذاران بوده و ناشی از به‌کارگیری الزامات مربوط به بانکداری اسلامی است.

۵ چالش ضعف حسابرسی مبتنی بر فناوری اطلاعات با توجه به این‌که عملیات و خدمات بانک‌ها و مؤسسات اعتباری، براساس دستورالعمل‌ها و بخشنامه‌های متعدد بانک مرکزی، عمدتاً در محیط سیستم‌های

افشای گسترده‌ی اقلام صورت‌های مالی در یادداشت‌های توضیحی و اضافه کردن صورت عملکرد حقوق صاحبان سپرده‌های سرمایه‌گذاری بود. افشای اضافی در صورت‌های مالی بانک‌ها شامل به‌کارگیری پیش از موعد برخی از استانداردهای حسابداری بود که از سال ۱۳۹۸ در سایر شرکت‌ها و برای مطابقت با استانداردهای بین‌المللی حسابداری الزامی شد. اگرچه این الزامات شامل افشای ریسک‌های اعتباری، نقدینگی و سایر ریسک‌ها (موضوع استاندارد ۳۷ حسابداری) بوده اما به دلیل عدم استفاده از روش‌های اندازه‌گیری مبتنی بر ارزش منصفانه عملاً صورت‌های مالی قابل‌مقایسه با صورت‌های مالی بانک‌های سایر کشورها نبود. ضمناً اضافه شدن صورت عملکرد حقوق صاحبان سپرده‌های سرمایه‌گذاری

◀ مرتضی اسدی:

گسترده‌گی و حجم بالای اطلاعات تولید و پردازش شده از سوی سیستم‌های اطلاعاتی بانک‌ها، مستلزم شناخت حسابرس از واحدهای فناوری اطلاعات بانک‌ها است. امکان دسترسی مستقیم حساب‌برسان به پایگاه‌های اطلاعاتی و پایگاه‌های داده بانک‌ها به نحو مناسب فراهم نیست و اطلاعات موردنیاز بر اساس الگو و مدل مورد درخواست حساب‌برسان توسط کارکنان بانک طراحی و ارائه می‌شود. با توجه به حجم بالای اطلاعات، نبود جزییات اطلاعات موردنیاز حساب‌برسان در سیستم‌ها و همچنین در برخی از موارد پایین بودن دانش حساب‌برسان نسبت به فناوری اطلاعات، پردازش اطلاعات دریافتی با چالش مواجه است. مشکلات سخت‌افزاری (کامپیوتر مناسب) نیز در این خصوص وجود دارد. لذا برنامه‌ریزی مناسب در خصوص زمان‌بندی ارائه‌ی اطلاعات و تدارک تجهیزات سخت‌افزاری و آموزش حساب‌برسان به دانش روز فناوری اطلاعات و استقرار واحد حسابرسی فناوری اطلاعات در مؤسسه‌های حسابرسی برای پشتیبانی تیم حسابرسی، ضروری است.

حسابرسی مبتنی بر فناوری اطلاعات (IT Audit) در گروه‌های حسابرسی بانک‌ها استقرار نیافته است، پروژه‌های حسابرسی کامپیوتری و به‌کارگیری نرم افزارهای حسابرسی از جمله ACL به نتیجه‌ی مطلوب نرسیده است، به‌علاوه نبود همکاری بانک‌های عامل جهت در اختیار قراردادن خروجی سیستم‌های اطلاعاتی مالی جهت حسابرسی کامپیوتری و نبود متخصص فناوری اطلاعات در تیم‌های حسابرسی بانک‌ها، منجر به کاهش کیفیت حسابرسی در این بخش شده است. بهره‌مندی تیم حسابرسی از افراد دارای مهارت کار با نرم‌افزارهای داده‌کاوی و تحلیل داده و

متخصص نرم‌افزار در این بخش به‌منظور کاهش ریسک فناوری اطلاعات ضروری است. همچنین در این زمینه نیاز است سرمایه‌گذاری لازم توسط دولت و نهادهای ناظر به‌عنوان اصلی‌ترین استفاده‌کننده‌ی خدمات حسابرسی صورت پذیرد، زیرا با توجه به شرایط موجود و حق‌الزحمه‌های پایین فعلی، اغلب مؤسسات حسابرسی منابع کافی برای سرمایه‌گذاری در این زمینه را ندارند.

◀ جواد باغبان:

با توجه به توسعه‌ی فعالیت‌ها و خدمات الکترونیکی بانک‌ها خصوصاً در یک دهه‌ی اخیر، استفاده از خدمات غیر حضوری مشتریان در بانک‌ها توسعه یافته و بیش از پیش در حال افزایش و پیشرفت است. از طرفی بانک مرکزی ج.ا.ا. مطابق با مفاد قانون پولی و بانکی به‌عنوان یک نهاد نظارتی بر عملکرد و فعالیت‌های بانک‌ها و مؤسسات اعتباری، مجموعه‌ی گسترده‌ای از قوانین و مقررات را جهت اجرا در سیستم بانکی تهیه و ابلاغ کرده و بانک‌ها مکلف به اجرای آن‌ها هستند. در پهنه‌ی چنین سیاستی بانک‌ها می‌بایستی درخصوص توسعه‌ی خدمات الکترونیکی و غیر حضوری توجه ویژه کنند و سیستم‌های نرم‌افزار (Core Banking) خود را جهت اجرای چنین خدماتی آماده و پیاده‌سازی کنند.

البته جا دارد در اینجا بازگو کنم که سیستم‌های بانکداری و نرم‌افزاری بانک‌ها جهت توسعه و ارائه‌ی این خدمات علی‌رغم رشد قابل‌ملاحظه‌ی فعالیت‌ها و عملیات بانکی همزمان توسعه نیافته و ایرادات و مشکلاتی در ارائه آن دارد. با وجود این، حساب‌برسان مستقل بانک‌ها برای حسابرسی صورت‌های مالی و ارزیابی ریسک تحریف بااهمیت و آزمون محتوای عملیات و خدمات و تراکنش‌های بانکی ناگزیر از استفاده

از کارکنان حرفه‌ای هستند که در این خصوص آموزش و مهارت لازم را کسب کرده‌اند. هر چند این مهارت‌ها به دلیل نبود زیرساخت‌های لازم دارای ایرادات و اشکالاتی است، اما مهم‌ترین چالش حساب‌برسان در این بخش نبود سیستم جامع و کامل در ساختار فعالیتی بانک است که جوابگوی آرایه‌ی تمامی گزارش‌های لازم جهت بازرسی و نظارت بر این عملیات باشد. از مشکلاتی از قبیل آرایه‌ی صورت کاملی از تسهیلات اعطایی به مشتریان، سپرده‌های دریافتی از سپرده‌گذاران، مبنای شناسایی درآمدهای عملیاتی (سود و جرایم تعهدی)، محاسبات ذخیره‌ی مطالبات مشکوک‌الوصول و وثایق و تضامین دریافتی تسهیلات اعطایی و منشاء وضعیت اقلام ارزی بانک‌ها به‌عنوان کلیدی‌ترین موضوعاتی که در گزارشگری و آرایه‌ی شفاف و درست صورت‌های مالی بانک‌ها تأثیرگذار بوده می‌توان نام برد.

مؤسسات حسابرسی نیز همزمان با توسعه‌ی این فعالیت‌ها در بانک‌ها، ناگزیر از استفاده از ابزارهای نوین جهت حسابرسی صورت‌های مالی بانک‌ها هستند. استفاده از تیم‌های تخصصی در بخش‌های مختلف به‌خصوص کارکنانی که در حوزه‌ی IT و ریسک از آموزش لازم برخوردارند ناگزیر است. پیچیدگی حسابرسی بانک‌ها با توجه به محدودیت‌های پیش روی مؤسسات حسابرسی از جمله نبود منابع آموزشی لازم و تأمین منابع مالی آموزش‌های لازم که در این‌جا جای بحث آن نیست، کمتر در حوزه‌ی ریسک و IT حسابرسی بانک‌ها به آن توجه شده است. هر چند مؤسسات معتمد بانک مرکزی با توجه به برخی از الزامات اداره‌ی نظارت بانک مرکزی در بخش حسابرسی بانک‌ها توجه ویژه‌ای کردند، لیکن رسیدن به نتیجه‌ی مطلوب مستلزم صرف وقت و هزینه‌های بالایی است. علی‌ا‌یحال به

دلیل توسعه‌ی فعالیت بانک‌ها، بانک مرکزی ج.ا.ا. برای حسابرسی بانک‌ها چک‌لیست‌های رسیدگی به سرفصل‌های بانک‌ها را جهت رسیدگی در سایت بانک مرکزی در اختیار و دسترس حسابرسان قرار داده، سازمان حسابرسی و جامعه‌ی حسابداران رسمی ایران نیز در ارایه‌ی این چک‌لیست‌ها و دستورالعمل‌های لازم خود نیز کارهای ویژه‌ای کرده‌اند. به‌روز رسانی جهت رفع برخی موانع و مشکلات حسابرسی بانک‌ها در این دستورالعمل‌ها می‌بایستی در دستور کار قرار گیرد، تا جایی که بنده خبر دارم این موضوعات توسط تمامی ناظران بانک‌ها و مؤسسات اعتباری در یکی دو سال اخیر در دستور کار قرار گرفته و به‌زودی منجر به ارایه یک سری دیگر از دستورالعمل‌ها و چک‌لیست‌های لازم در این بخش خواهد شد. علاوه بر این مسئولان واحد نظارت بانک مرکزی بر اساس رویه‌ی معمول این چند سال اخیر جلسات حضوری بسیاری را با حسابرسان بانک‌ها در زمان برگزاری مجامع این بانک‌ها جهت کاهش فاصله‌ی انتظارات از حسابرسان و تطابق و هماهنگی بیشتر گزارش‌های حسابرسان بانک‌ها با استانداردهای حسابرسی و دستورالعمل‌ها و بخشنامه‌های بانک مرکزی برگزار کرده‌اند که خود گواه این مطلب است که بازوان نظارتی بانک‌ها بر عملکرد صحیح و شفاف بانک‌ها و مؤسسات اعتباری حساسیت ویژه‌ای دارند. بنابراین در ادامه‌ی این جلسات و مذاکرات فی‌مابین، مؤسسات حسابرسی نیز خود را در مسیر هر چه بهتر نظارت مورد نظر بانک مرکزی قرار داده و مهارت‌های لازم را برای اعضای اعزامی به گروه حسابرسی در بانک‌ها با ترکیبات و ترتیبات گفته شده را در اولویت‌های کاری خود قرار داده‌اند. هر چند بانک مرکزی به عنوان ارکان اصلی بازوی نظارتی و حاکمیتی بر بازار پولی و بانکی و نظارت بر بانک‌ها

به شمار می‌رود.

« کورش پرویزیان:

توجه به ماهیت داده‌های بانکی که در قالب Big Data مطرح‌اند می‌طلبد که مؤسسات حسابرسی خود را با این نظام هماهنگ سازند و از سخت‌افزارها، نرم‌افزارها و متخصصان این حوزه بهره ببرند. امروزه تنها صنعت بانکداری با این نوع داده‌ها در ارتباط نیست بلکه صنایع دیگری نظیر صنعت پرداخت و خدمات الکترونیکی نیز با این داده‌ها در ارتباط هستند. ضرورت تغییر در رویکرد حسابرسی در این صنایع نیز وجود دارد که بار اصلی این تغییر رویکرد از طریق جامعه‌ی حسابداران رسمی امکان‌پذیر است. به‌عنوان مثال تدوین رویه‌های رسیدگی متناسب با این روندها، تعیین بهای ارائه‌ی خدمات و...

« علی صالح‌آبادی:

استفاده از رویه‌ها و روش‌های سنتی برای حسابرسی عملیات و خدمات نوین بانکی بدون شک مثرتر نیست و می‌تواند مشکلات مختلفی ایجاد کند. بنابراین برای حل این مشکل لازم است خدمات نوین بانکی با شیوه‌های جدید به تیم‌های حسابرسی آموزش داده شود.

« فرهاد نیلی:

با توجه به گستردگی و حجم بالای تراکنش‌های بانک که عموماً مربوط به جابجایی در اقلام چپ ترازنامه مربوط به انتقال وجه بین حساب‌های سپرده‌گذاران است و سایر رویدادهای مالی که سایر حساب‌های بانک و حساب‌های درآمدی و هزینه‌ای را متأثر می‌سازد، مستلزم شناخت تلفیقی از زبان حسابداری و حسابرسی با زبان برنامه‌های نرم‌افزاری است که بسیار حائز اهمیت است. بنابراین بهره‌گیری از دانش برنامه‌نویسی مهندسان نرم‌افزار در استخراج و پردازش اطلاعات مالی

ضروری به نظر می‌رسد.

لذا حسابرسان، حسابرسی سیستم‌های کامپیوتری را نیز می‌بایست در چک‌لیست حسابرسی خود بگنجانند و تسلط کافی را در این زمینه کسب کنند.

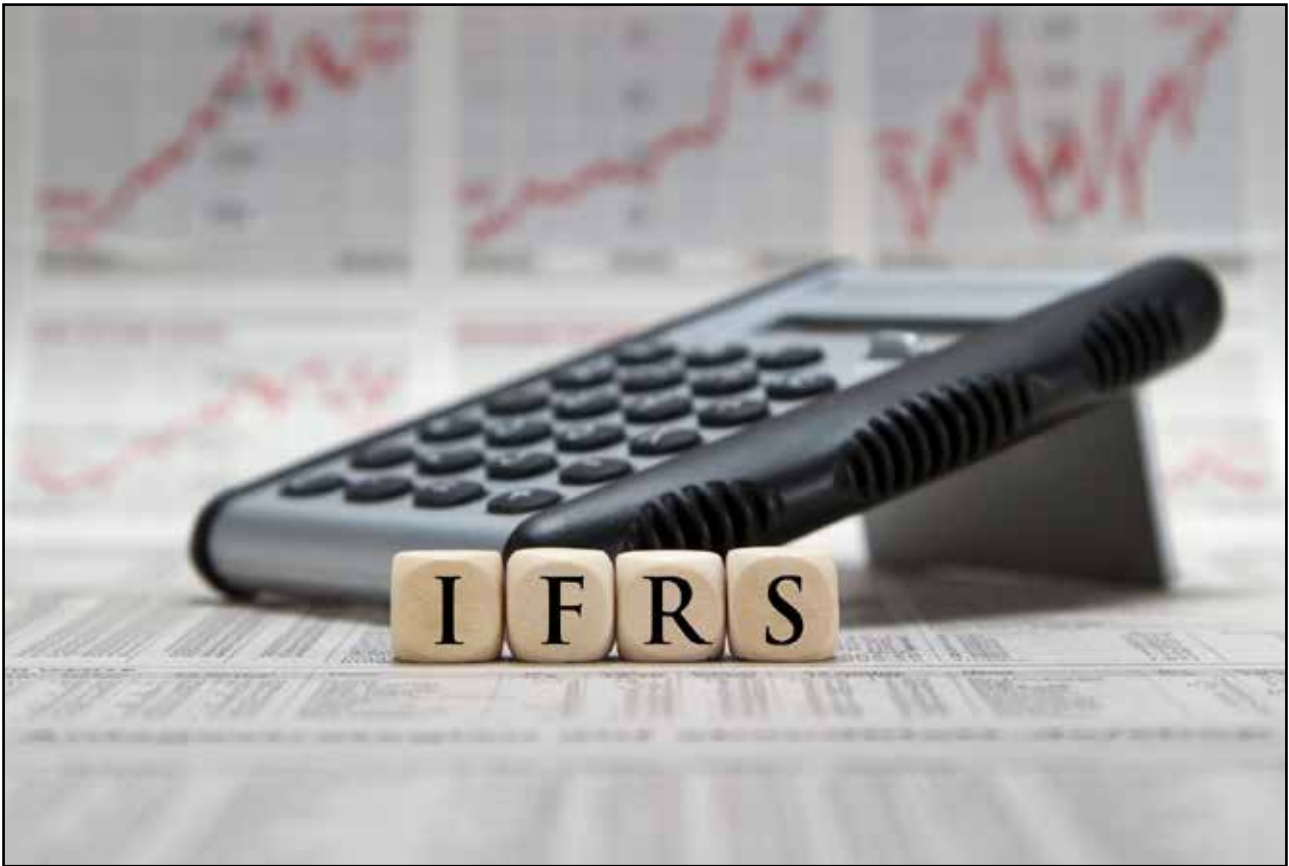
همچنین یافته‌های واحد حسابرسی داخلی بانک مبنی بر حسابرسی فرآیندهای سیستمی می‌تواند کمک شایانی به حسابرسان مستقل در زمینه‌ی بررسی و صحت‌گذاری بر عملکرد سیستم داشته باشد.

از سوی دیگر یکپارچگی سیستم‌های عملیاتی و گزارشگری در کلیه‌ی موارد استخراج شده از سیستم که منجر به نتایج یکسان و همسویی اطلاعات باشد، مؤید قابل اطمینان بودن گزارش‌ها و فرآیند سیستم خواهد بود.



چالش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی

براساس ابلاغیه‌ی شماره‌ی ۱۳۹۵/۰۸/۲۵/ب/۴۴۰/۰۰۵ مورخ ۹۵/۰۸/۲۵ سازمان بورس و اوراق بهادار، ناشران بزرگ بورس (با سرمایه‌ی ثبت شده ۱۰۰۰ میلیارد تومان و بالاتر)، علاوه بر تهیه و انتشار صورت‌های مالی طبق استانداردهای حسابداری ایران (طبق نمونه‌ی ارائه شده توسط سازمان بورس و اوراق بهادار)، از ابتدای سال ۱۳۹۵ موظفند صورت‌های مالی دیگری براساس استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی (IFRS) تهیه و منتشر کنند. بانک‌ها و مؤسسات اعتباری مشمول ابلاغیه‌ی مزبور، برای به‌کارگیری کدام یک از استانداردهای IFRS با موانع و چالش‌های جدی مواجه هستند؟ آیا زیرساخت‌ها و نرم‌افزارهای اطلاعاتی لازم برای تهیه‌ی صورت‌های مالی بانک‌های مشمول بر مبنای استانداردهای IFRS وجود دارد؟



بر اساس استانداردهای بین‌المللی (IFRS) با توجه به ورود چالش اصلی در این زمینه یعنی تعیین مطالبات مشکوک‌الوصول در بانک‌ها به دلایلی به نظرم دشواری و پیچیدگی خاص خود را خواهد داشت. کاهش ارزش دارایی‌ها مفهومی است که در بانک‌ها بایستی با توجه به محدودیت‌های گفته شده از طرف همگان با نگاه دیگری به آن نگرست. علی‌احال پیاده‌سازی مدل کاهش ارزش تحقق‌یافته براساس استاندارد IAS 36 در بانک‌ها به دلایلی از جمله قضوتی بودن و وجود نداشتن زیرساخت آی‌تی مناسب، با چالش روبه‌رو است. حل این مسئله مستلزم توسعه‌ی زیرساخت‌های آی‌تی و تدوین راهنمای به‌کارگیری مناسب است. بر اساس مدل زیان تحقق‌یافته‌ی مد نظر استاندارد IAS 36، فقط زمانی می‌توان برای یک دارایی کاهش ارزش شناسایی کرد که شواهد عینی از

را افزایش دهد. همچنین به‌کارگیری برخی از استانداردهای بین‌المللی (از جمله کاهش ارزش تسهیلات مالی اعطایی طبق IFRS9) نیازمند سیستم‌های اطلاعاتی قابل‌اتکا برای محاسبه‌ی ارزش اقتصادی تسهیلات مالی اعطایی به تفکیک هر پرونده است که در حال حاضر بستر آن فراهم نشده است.

◀ جواد باغبان:

این‌که شرکت‌های بورسی بر اساس یک معیار مورد نظر سازمان بورس صرفاً مبلغ ۱۰,۰۰۰ میلیارد ریال بالاتر میزان سرمایه، ملزم به تهیه‌ی صورت‌های مالی بر اساس استانداردهای بین‌المللی (IFRS) بنماییم خود جای بحث دارد که در اینجا قصد بازگویی دلایل و نارسایی‌های آن را ندارم. اما بایستی بیان کنم که ارایه‌ی صورت‌های مالی شرکت‌های بورسی خصوصاً بانک‌ها

◀ مرتضی اسدی:

به‌کارگیری استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹: ابزارهای مالی، استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۱۳: اندازه‌گیری ارزش منصفانه و استاندارد بین‌المللی حسابداری ۱۲: مالیات بر درآمد و به‌طور کلی استانداردهایی که به‌کارگیری آن‌ها نیازمند ارزش‌های منصفانه و انجام برآورد و پیش‌بینی باشد با موانع و چالش‌های جدی مواجه است. طبق استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی (IFRS) کاهش ارزش براساس زیان اعتباری موردانتظار و ارزش منصفانه‌ی تسهیلات مالی اعطایی اندازه‌گیری می‌شود، این استانداردها مبتنی بر ارزش‌های روز (منصفانه) هستند. در شرایط اقتصادی بی‌ثبات و پرنوسان، گزارشگری بر مبنای قیمت‌های بازار می‌تواند ریسک شناسایی سودهای موهوم و یا کاهش ارزش قابل‌ملاحظه

وجود رویداد زیان آور پس از شناسایی اولیه در دسترس باشد، بنابراین شناسایی هرگونه زیان‌های احتمالی و پیش رو مجاز نیست، در حالی که در بانک‌ها ذخیره‌ی عمومی مطالبات مشکوک‌الوصول به‌عنوان یک زیان احتمالی در تضاد با استاندارد بین‌المللی در صورت‌های مالی شناسایی می‌شود. مضافاً به دلیل وجود برآوردهای فراوان، دامنه‌ی قضاوت در استانداردها بسیار بالا بوده و بسیاری از مفاهیم کیفی، به قضاوت مدیریت بانک‌ها نیاز دارد. همچنین شواهد عینی کاهش ارزش، به‌طور عمده کیفی بوده و نیاز به نظارت قوی بر مشتریان و جمع‌آوری مناسب و کامل اطلاعات مرتبط با آن‌ها و محیط اقتصادی پیرامون خود دارد. انجام صحیح این فرآیند نیازمند استقرار فرآیندهای قوی در بانک‌ها خواهد بود، با توجه به این‌که در حال حاضر در بیش‌تر موارد اطلاعات و نرم‌افزارهای لازم برای اندازه‌گیری و افشای ریسک‌ها در بانک‌ها وجود ندارد یا خیلی کم وجود دارد یا شیوه‌نامه‌ای برای این موضوع نیست، بانک‌ها با چالش‌های اساسی در این زمینه روبرو خواهند شد. به نظر می‌رسد فراهم نشدن چنین زیرساختی ارایه‌ی صورت‌های مالی بانک‌ها را به صورت IFRS به مدینه‌ی فاضله‌ای تبدیل کرده که ضرورت تجدیدنظر و بازنگری به ابلاغیه‌ی سازمان بورس را بیش از پیش واجب کرده است.

◀ کورش پرویزیان:

قطعاً استفاده از الگوی IFRS نیازمند زیرساخت‌ها و امکاناتی است که باید وجود آن‌ها در مؤسسات گزارش‌گر و اعتباربخش بررسی شود. تنها تصمیم‌گیری در خصوص اجرا کفایت نمی‌کند و ما را به مقصد نمی‌رساند. اجرای بد یک نظام گزارشگری به‌مراتب بدتر از اجرا نکردن آن است. اجرای این نوع نظام‌ها همراه با تحمیل هزینه به

نهادهای گزارشگر است که اگر از منافع آن منتفع نشوند و یا بر چالش‌های آن بیفزایند با مقاومت روبرو خواهد بود. توصیه می‌شود از گرایش شکلی به این نوع نظام‌ها خودداری شود و متناسب با زیرساخت‌های موجود و قابل توسعه به‌صورت گام‌به‌گام و حساب‌شده، در این خصوص اقدام شود.

◀ علی صالح آبادی:

استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی (IFRS) با رویکرد تأکید بر «ارزش منصفانه»ی دارایی‌ها و بدهی‌ها تهیه شده است. نظر به این‌که سرفصل تسهیلات اعطایی، بخش اعظم دارایی‌های بانک‌ها و مؤسسات اعتباری را تشکیل می‌دهد، از این رو شناسایی صحیح کاهش ارزش تسهیلات اعطایی به شرح مندرج در استاندارد گزارشگری IFRS 9، از چالش‌برانگیزترین بحث‌ها در فرآیند به‌کارگیری استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی است. این استاندارد که از الگوی «زیان مورد انتظار» پیروی می‌کند مدلی آینده‌نگر بوده، صحت عملکرد آن مستلزم تجهیز سازمان‌ها به زیرساخت‌ها و نرم‌افزارهای اطلاعاتی است که بتواند زیان مورد انتظار را برای یک دوره‌ی زمانی با تکیه بر اطلاعات مربوط به حوادث گذشته، شرایط فعلی و پیش‌بینی شرایط اقتصادی آتی پیش‌بینی کند. توانایی تنزیل زیان‌های اعتباری موردانتظار به تاریخ گزارشگری با استفاده از نرخ بهره‌ی مؤثر به‌عنوان نرخ تنزیل، انعکاس جریان‌ات نقدی ناشی از وثیقه و سایر بهبودهای اعتباری به‌عنوان بخشی از شرایط قراردادی و ... از نیازمندی‌های این سیستم است.

در مورد بخش دوم سؤال در این زمینه که آیا زیرساخت‌های سیستمی (نرم‌افزاری) کفایت تهیه‌ی صورت‌های مالی را دارند، باید گفت رهنمودهای اجرایی استاندارد IFRS به این نکته

اشاره دارد که بسیاری از سیستم‌های نرم‌افزاری مالی موجود امکان تهیه‌ی کامل صورت‌های مالی استاندارد را نداشته و لذا بهبود، به‌روزرسانی و یا جایگزینی سیستم‌های نرم‌افزاری مشمول تهیه‌ی گزارش‌های استاندارد، در طول زمان قابل حصول است. در حال حاضر بانک توسعه‌ی صادرات به‌منظور تهیه‌ی صورت‌های مالی بر مبنای استاندارد IFRS، مبادرت به توسعه‌ی سیستمی منطبق با آن کرده است، که در آن برخی از یادداشت‌ها از دفاتر و برخی دیگر با ایجاد انبار داده و تهیه‌ی توابع نرم‌افزاری (پروسیجر)، از سایر سیستم‌ها از جمله CBRM و FBFI دیتا فراخوانی و گزارش‌های موردنظر تهیه می‌شود.

◀ فرهاد نیلی:

با نهایب‌شدن برجام و مذاکراتی که انجام شده بود ایران به دلیل پیوستن به بازارهای جهانی که یکی از بخش‌های آن نیز صنعت بانکداری بود ناگزیر به ارایه‌ی صورت‌های مالی بر اساس استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی (IFRS) شد. این مورد ابتدا در الزامات سازمان بورس و اوراق بهادار متجلی شد و فرصتی را فراهم آورد که صورت‌های مالی بانک‌های ایرانی با بانک‌های خارجی قابل مقایسه باشد. لیکن تا امروز هیچ بانکی صورت‌های مالی مبتنی بر IFRS خود را منتشر نکرده است. سازمان حسابرسی با ترجمه‌ی استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در راستای همسان‌سازی استانداردهای ایران با استانداردهای مزبور گام برمی‌دارد. در این راستا، استانداردهای جدید ابزارهای مالی (ارائه و افشا) ترجمه شده، برای سال مالی که از ابتدای سال ۱۳۹۸ شروع می‌شود، لازم‌الاجراست و همچنین استاندارد ارزش منصفانه که از ابتدای ۱۴۰۰ لازم‌الاجرا می‌شود.



◀ مرتضی اسدی:

مسئولیت‌های قانونی و مقرراتی حسابرسان در سال‌های اخیر به دلیل افزایش قابل توجه قوانین، دستورالعمل‌ها و بخشنامه‌هایی که کنترل رعایت آن از حسابرسان مطالبه می‌شود، افزایش یافته است و به دنبال آن ریسک دعاوی حقوقی علیه حسابرسان و جرایم انضباطی نیز افزایش چشمگیر داشته است. در حال حاضر با توجه به ضعف زیرساخت‌ها و نرم‌افزارهای کاربردی بانک‌ها و مؤسسات اعتباری و محدودیت‌های دسترسی حسابرسان به سیستم‌های اطلاعاتی بانک‌ها و همچنین کمبود منابع انسانی متخصص در زمینه‌ی به‌کارگیری نرم‌افزارهای حسابرسی و گستردگی و حجم بالای تراکنش‌های بانکی، حسابرسان به میزان قابل توجهی در معرض ریسک عدم کشف مصداق‌های پول‌شویی در شبکه‌ی

حساب‌ها منظور شود.

چالش مبارزه با پول‌شویی طبق مقررات موجود،



حسابرسان مستقل ملزم به اظهارنظر در خصوص موارد عدم رعایت ضوابط و مقررات مبارزه با پول‌شویی در بانک‌ها و مؤسسات اعتباری هستند. این مسئولیت در شرایطی است که بانک‌ها و مؤسسات اعتباری فاقد زیرساخت‌ها و بستر مناسب، از جمله نرم‌افزارهای کاربردی لازم، برای پیاده‌سازی بسیاری از این الزامات‌اند. در چنین شرایطی، حسابرسان بانک‌ها و مؤسسات اعتباری با چه ریسک‌هایی مواجه هستند و چه راهکارهایی برای مدیریت حذف یا کاهش این ریسک‌ها باید پیش‌بینی گردد؟

حلقه‌ی مفقوده، اندازه‌گیری ابزارهای مالی است که تاکنون ترجمه و ارائه نشده است. با ارائه‌ی IFRS 9 این مشکل برطرف می‌شود. این استاندارد شامل به‌کارگیری ارزش منصفانه و بهای مستهلک‌شده در اندازه‌گیری ابزارهای مالی و طبقه‌بندی قضاوتی را برای ابزارهای مالی ارائه کرده است. همچنین در استاندارد مزبور ذخیره‌ی کاهش ارزش بر اساس تغییرات مدل زیان‌های اعتباری موردانتظار شناسایی می‌شود در حالی که در IAS39 مدل زیان‌های تحمل‌شده به‌کار گرفته شده و رویکرد کاملاً گذشته‌نگر بود. به‌کارگیری استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ نیازمند ارزیابی ریسک نکول در زمان اعطا و تاریخ گزارشگری است که بر اساس نتیجه‌ی آن زیان‌های اعتباری مورد انتظار ۱۲ ماهه یا زیان‌های اعتباری موردانتظار طی عمر ابزار در

بانکی قرار دارند.

علاوه بر فراهم کردن دسترسی به ابزارهای نظارتی و سیستم‌های موردنیاز و رفع محدودیت‌های ذکرشده، برای کنترل مؤثر رعایت این مقررات، پیشنهاد اصلی، رایزنی با تنظیم‌کنندگان قوانین و مقررات به منظور جداسازی این موارد از دامنه‌ی حسابرسی صورت‌های مالی سالانه و جداسازی گزارشگری موارد عدم رعایت‌های قوانین و مقررات مزبور از گزارش حسابرس مستقل و بازرسی قانونی است. زیرا ارایه‌ی موارد مزبور در گزارش حسابرس مستقل و انتشار عمومی آن نه تنها در سطح کلان باعث افزایش ریسک کشوری می‌شود، بلکه موجب کاهش اثربخشی و همچنین کیفیت گزارش حسابرس مستقل خواهد شد.

◀ جواد باغبان:

هر چند صحبت کردن در خصوص رعایت ضوابط و مقررات مبارزه با پول‌شویی در بانک‌ها و مؤسسات اعتباری با توجه به محدودیت‌های بین‌المللی و تحریم‌های بانکی کمی سخت و دشوار است چه در نحوه‌ی اجرا توسط مدیریت بانک و چه در نحوه‌ی نظارت و بازبینی این قوانین، ولی می‌توانم به ذکر جملاتی نه در جزئیات موضوع بسنده کنم. بر این اساس در اجرای ماده ۳۳ دستورالعمل اجرایی قانون مبارزه با پول‌شویی حسابرسان موظف به اظهارنظر در خصوص موارد عدم رعایت الزامات و قوانین و مقررات مبارزه با پول‌شویی هستند، از طرفی بانک‌ها به منظور مبارزه با پول‌شویی بسیار پرمخاطره‌اند و این موضوع منجر به تحمیل ریسک بسیار زیادی به حسابرسان شده است. در خصوص مبارزه با پول‌شویی قوانین و الزامات متعددی تدوین و تصویب شده لیکن در این خصوص بسترهای لازم به منظور پیاده‌سازی الزامات مقررات مربوطه فراهم نشده یا از آمادگی لازم برخوردار

نیست. در این خصوص می‌توان به این موضوع اشاره کرد که آیین‌نامه‌ی اجرایی ماده ۱۴ الحاقی قانون مبارزه با پول‌شویی در تاریخ ۱۳۹۸/۰۷/۲۲ توسط هیأت دولت جهت اجرا تصویب شده که در سال ۱۳۹۸ کاملاً این موضوع مسکوت مانده، ولی در مرداد ماه ۱۳۹۹ اعضای کارگروه تخصصی بانک در جامعه‌ی حسابداران رسمی مبادرت به تهیه‌ی چکلیستی در خصوص ماده‌ی ۱۴ الحاقی قانون مزبور کردند که جهت اظهارنظر به مقامات مسئول بانک مرکزی ج.ا.ا. ارسال گردید. همچنین سازمان حسابرسی نیز در شهریور ماه ۱۳۹۹ مبادرت به تهیه‌ی چکلیست آیین‌نامه‌ی اجرایی ماده ۱۴ الحاقی قانون مزبور نموده که توسط رییس سازمان حسابرسی در آذر ماه ۱۳۹۹ جهت اجرا ابلاغ شده است.

در حالی که اکثر مدیران حاضر در شرکت‌ها از ابلاغ چنین چکلیستی خبردار نبوده چه برسد به این که مقررات و قوانین مربوط به آن را اجرا کنند. دوباره متذکر می‌شوم که مصوبه‌ی هیأت دولت در این خصوص به تاریخ ۱۳۹۸/۰۷/۲۲ بوده است. به‌عنوان نمونه براساس الزامات آیین‌نامه‌ی الحاقی ماده ۱۴ قانون مبارزه با پول‌شویی، اشخاص مشمول مکلف به راستی‌آزمایی اطلاعات اخذ شده از مشتری در زمان شناسایی می‌باشند، لیکن تاکنون سامانه‌های اطلاعاتی جامع به‌منظور انجام این امر توسط دستگاه‌های ذی‌ربط و اقداماتی که بایستی توسط مدیران شرکت‌های مشمول، بانک‌ها، صرافی‌ها و ... انجام گیرد، ایجاد نشده است. لذا این موضوع در نبود امکانات و شرایط لازم و کافی به مسایل مخاطره‌انگیز در حسابرسی بانک‌ها تبدیل شده که می‌بایستی در این خصوص مدیران بانک‌ها جهت تعامل با بانک‌های جهانی (پسا برجام) اقدامات ویژه‌ای را به همراه سایر مسئولان ذی‌ربط انجام دهند.

◀ کورش پرویزیان:

بانک‌ها به‌عنوان پیش‌قراولان نظام مبارزه با پول‌شویی، عموماً مجهز به سامانه‌های مبارزه با پول‌شویی‌اند. هرچند تحمیل موضوعات بیش‌تر به حسابرسان ضرورت ندارد ولی حسابرسان به‌دلیل محدودیت‌های بودجه‌ای عموماً امکان استفاده‌ی کامل از متخصصان مربوطه را نداشته و یا زمان کافی برای رسیدگی بیش از تکمیل چکلیست جامعه را ندارند. بنابراین تدوین شیوه‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های رسیدگی متناسب با قوانین کشوری می‌تواند در این حوزه که بسیار حائز اهمیت است راهگشا باشد.

◀ علی صالح‌آبادی:

با ظهور محیط‌های تجاری جدید، متنوع و مکانیزه به همراه راهیابی نرم‌افزارها و سامانه‌ها به این محیط، دسترسی سریع و دقیق حسابرسان بسیار حایز اهمیت شده است و در مقابل، عدم دسترسی به اطلاعات مهم‌ترین شاخص حسابرسی مبتنی بر ریسک در سال‌های اخیر است. ارزیابی ریسک عدم وجود زیرساخت‌ها و نرم‌افزارهای کاربردی مناسب و عدم کشف می‌تواند به‌طور مستقیم بر اثربخشی و کارایی، توزیع منابع و نیروی کار، کیفیت حسابرسی و تعیین راهبردهای حسابرسی مؤثر واقع شود و مضاف بر آن به علت ماهیت محیط عملیات در سامانه‌های مبارزه با پول‌شویی و حجم عملیات، پیچیدگی و عدم آشنایی و نبود چکلیست‌های کنترلی از سامانه‌ها و نرم‌افزارهای مبارزه با پول‌شویی ریسک عملیاتی واحد حسابرسی افزایش می‌یابد. ضعف در زیرساخت‌ها و بسترهای مبارزه با پول‌شویی می‌تواند اثرات مخربی بر شرکت‌ها، بانک‌ها و مؤسسات اعتباری و در نتیجه بر اقتصاد جامعه داشته باشد، این ضعف می‌تواند منجر



چالش کرونا

تأثیر ریسک ناشی از

شیوع گسترده‌ی کووید ۱۹ بر عملیات و خدمات صنعت بانکداری و نیز تأثیر آن بر افزایش ریسک تحریف بااهمیت گزارشگری مالی بانک‌ها و مؤسسات اعتباری، در کدام حوزه‌ها برجسته است. حسابرسان مستقل باید در حسابرسی صورت‌های مالی بانک‌ها و مؤسسات اعتباری در زمینه‌ی چالش‌ها و تهدیدات ناشی از شیوع کووید ۱۹، کدام ریسک‌های تحریف بااهمیت را در برنامه‌ریزی و اجرای عملیات حسابرسی، مورد توجه قرار دهند؟

◀ مرتضی اسدی:

شیوع بیماری کرونا بازپرداخت تسهیلات اعطایی بانک‌ها را در سررسید با مشکل مواجه کرده است، لذا ریسک اعتباری افزایش یافته و این موضوع بر زیان اعتباری موردانتظار و کاهش ارزش تسهیلات اعطایی مؤثر است. با توجه به ماهیت فعالیت بانک‌ها که واسطه‌گری مالی را انجام می‌دهند مهم‌ترین پیامد اقتصادی شیوع ویروس کرونا رکود اقتصادی فراگیر در دنیا بوده که طبق گزارش‌های منتشره توسط بانک تسویه‌ی بین‌المللی منجر به نکول وام‌های مشتریان شده و به تبع آن ریسک نقدشوندگی مطالبات و اعتبارات را افزایش داده و منجر به کاهش انعطاف‌پذیری بانک‌ها در بازپرداخت منابع سپرده‌گذاران و یا تأمین مالی با هزینه‌ی بالاتر شده است. این امر می‌تواند به دست‌کاری در طبقه‌بندی دارایی‌های اعتباری به منظور مدیریت سود، کاهش ذخایر و یا شناخت درآمدهای موهوم منجر شود.

◀ جواد باغبان:

چالش‌های ناشی از شیوع و اپیدمی ویروس کرونا مانند نابه‌سامانی

مطابق با استانداردهای حسابداری قابل‌اجرا در سایر کشورها باشد، بانک‌ها باید اعتبارسنجی و صورت‌های مالی بر اساس استاندارد IFRS را دقیق انجام دهند (قوانین مربوط به تضامین لازم برای تخصیص اعتبارات و مطالبات معوق).

در واقع ریسک بالای بانک‌ها و عدم شفافیت بازارها عاملی است که باعث شده بسیاری از شرکت‌ها و بانک‌های جهانی با وجود بازار جذاب ایران حاضر به همکاری نباشند و لازم است ساختار بانکی و مالی کشور مباحث مربوط به مبارزه با پول‌شویی، استانداردهای حسابداری، کفایت سرمایه و حاکمیت شرکتی را به‌طور جدی در اولویت خود قرار دهند.

◀ فرهاد نیلی:

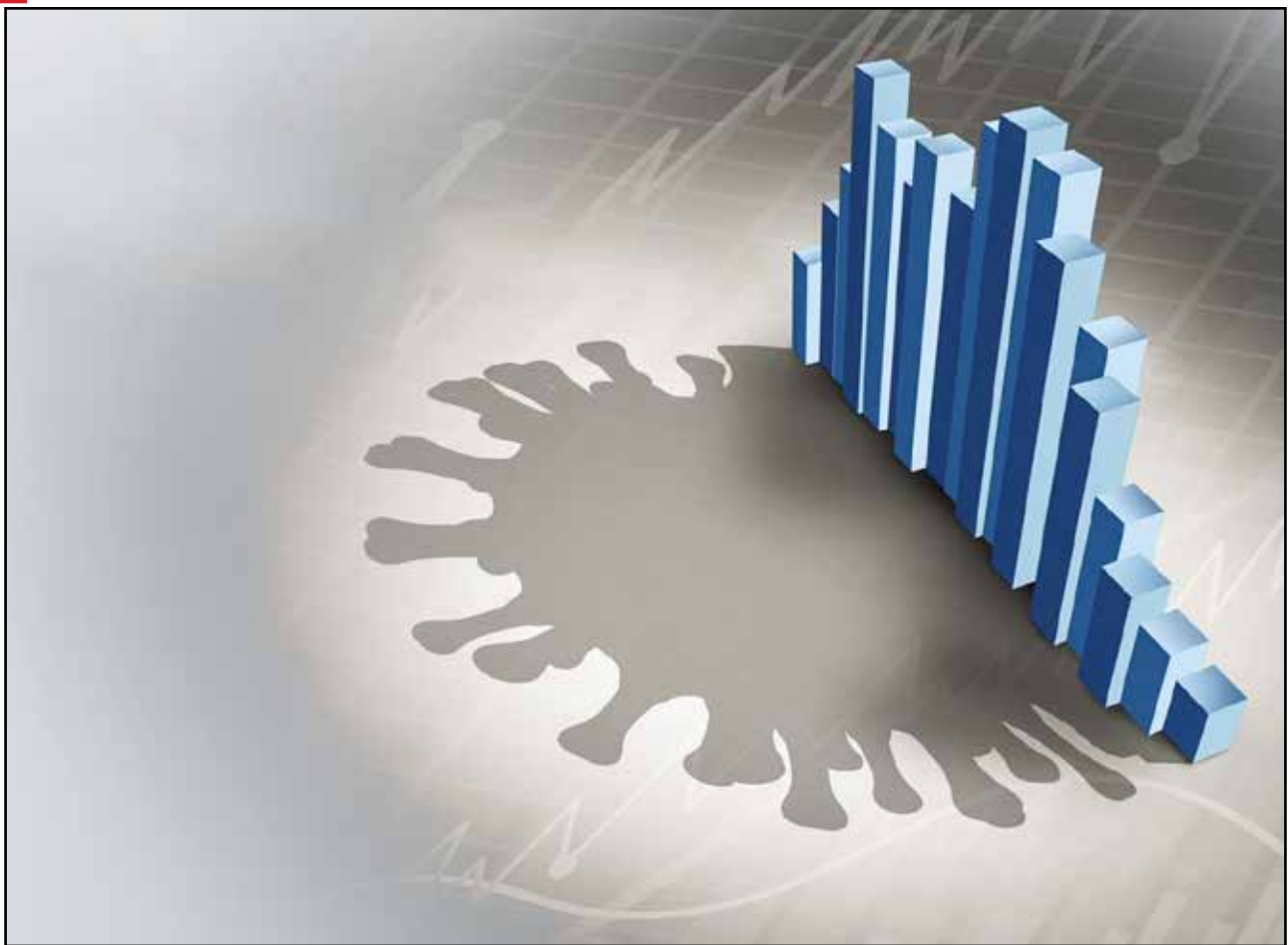
طبق ماده‌ی ۳۰ آیین‌نامه‌ی اجرایی ماده ۱۴ الحاقی قانون مبارزه با پول‌شویی، جامعه‌ی حسابداران رسمی ایران مکلف است امکان استعلام برخط و بدون محدودیت صورت‌های مالی حسابرسی‌شده و ضمایم، گزارش‌های حسابرسی، گزارش‌های بازرسی قانونی و سایر گزارش‌های منضم به صورت‌های مالی را برای اشخاص مشمول فراهم کند. بانک‌ها با استقرار نرم‌افزارهای مورد تأیید بانک مرکزی و راه‌اندازی آن بر عملیات بانکی در خصوص موارد مرتبط با قانون مبارزه با پول‌شویی نظارت می‌کنند. حسابرس مستقل نیز با برقراری ارتباط مؤثر با ادارات مبارزه با پول‌شویی بانک‌ها ضمن اطلاع از نحوه‌ی نظارت، کنترل عملیات و اخذ گزارش‌های روزانه‌ی ادارات مذکور، اقدامات صورت‌گرفته توسط بانک‌ها را با مقررات مربوطه مطابقت و از ریسک‌هایی همچون عدم‌رعایت قوانین و مقررات، حقوقی، شهرت و پول‌شویی اطمینان لازم را کسب می‌کند.

به افزایش ریسک حسابرسی، افزایش حجم فعالیت و هزینه‌ی حسابرسان و کاهش دقت گزارش‌ها شده و مضاف بر آن ریسک کاهش فعالیت‌ها و ارتباطات داخلی و بین‌المللی بانک‌ها و مؤسسات اعتباری را در پی داشته و باعث کاهش سودآوری و اعتبار بانک‌ها شود و به دنبال آن تغییر حسابرسان و مؤسسات حسابرسی، افزایش حجم کار و فعالیت حسابرسان و کاهش اعتبار و شهرت مؤسسات حسابرسی را به دنبال داشته باشد.

به‌علاوه ریسک افزایش شکایات و مشکلات حقوقی و دادرسی را برای حسابرسان در پی خواهد داشت. از طرفی به استناد تبصره‌ی ذیل بند ۷ ماده ۷ قانون اصلاح قانون مبارزه با پول‌شویی، حسابرسان دستگاه‌های اجرایی مرتبط با قانون مبارزه با پول‌شویی (دولتی و غیر دولتی) در صورت عدم انجام تکالیف مقرر مشمول انفصال از خدمت و جزای نقدی خواهند شد.

راهکارهایی که برای حذف یا کاهش این ریسک‌ها می‌توان پیش‌بینی کرد عمدتاً به‌روزرسانی قوانین، رویکردها و روش‌های عملیاتی است. در این زمینه، فرآیندها و دستورالعمل‌های اجرایی باید به‌درستی و کامل طراحی شوند و همچنین بسیاری از روش‌های موجود برای همگام شدن با نظام بانکی جهانی نیازمند اصلاحات قابل‌توجهی است. از مهم‌ترین چالش‌های مورد توجه می‌توان به فرآیندهای اصلی در شناسایی مشتریان، ردیابی فعالیت مشتریان و حصول اطمینان از ردیابی صحیح تراکنش‌های مشتریان اشاره کرد که باید کامل و بدون نقص انجام شود و اطمینان از سیستم کنترل، ارزیابی کارایی و به‌روزرسانی سیستم‌هایی که برای کنترل و نظارت بر عملکرد مالی مشتریان است حاصل شود.

از طرف دیگر استانداردهای حسابداری در نظام پولی و بانکی باید



که از ستاد ملی مبارزه با کرونا جهت امهال تسهیلات به‌ناگزیر صادر شده)، مطالبات معوق بیش‌تری در بانک‌ها به مطالبات مشکوک‌الوصول تبدیل خواهند شد. بنابراین بیش‌ترین ریسک‌هایی که در حسابرسی صورت‌های مالی بانک‌ها و مؤسسات اعتباری دچار چالش خواهد شد موضوعات یادشده خواهد بود. حسابرسان بیش‌تر بایستی در این زمینه‌ها برنامه‌ریزی کنند و در اجرای عملیات حسابرسی به این قسمت‌ها توجه شایانی داشته باشند تا هم بتوان مقررات مربوط به بخشنامه‌های صادره و آیین‌نامه‌های مربوطه (تسهیلات امهالی که توسط ستاد ملی مبارزه با کرونا جهت حفظ شرایط اقتصادی کسب‌وکارهایی که آسیب دیده‌اند وضع نموده) را به نحو صحیح و دقیق بررسی و اطمینان معقول کسب کنند. ادامه‌ی

بانکی گفته می‌شود. یعنی این‌که در یک نظام بانکداری هنگامی که تعداد زیادی از مشتریان سپرده‌های‌شان را هم زمان از نهاد مالی خارج می‌کنند و آن را در محلی که به نظرشان امن‌تر است، سرمایه‌گذاری کنند. در نتیجه بانک‌ها با کاهش نقدینگی، عدم‌توانایی در تسهیلات‌دهی و پرداخت دیون مواجه خواهند شد. در نهایت این نوع ریسک سیستماتیک، بانک را تا مرز ورشکستگی پیش خواهد برد. بخشی از مشتریان نیز به دلیل محدودیت‌های مالی و فضای کسب‌وکار، کاهش عایدی و رکود نسبی، قادر به پرداخت معوقات خود نیستند. لذا علاوه بر این‌که بانک دچار کمبود نقدینگی خواهند شد، مطالبات غیرجاری آن‌ها نیز افزایش خواهد یافت. به همین دلیل در ۱۸ ماه آتی (با توجه به بخشنامه‌های حاکمیتی

اقتصادی، رکود بازار و نقدینگی، بر تراز تجاری بانک‌ها تأثیرگذار است. در حال حاضر، بانک‌ها از سه حیث در جامعه تحت تأثیر قرار گرفتند: اول، عده‌ای از تسهیلات‌گیرندگان از بازپرداخت وجوه دریافتی خودداری می‌کنند. دوم، برخی از مردم بیش از پیش از بانک نقدینگی مطالبه می‌کنند که در بازارهای دیگری که نرخ سود بالاتری از نرخ سود بانکی (به دلیل قرار گرفتن در شرایط جدید)، بیش‌تری دارند، سرمایه‌گذاری کنند. گروه سوم کسب‌وکارهایی هستند که از شرایط فعلی منتفع شده‌اند و در واقع می‌توان ادعا کرد که بانک‌ها در صورت سهام‌داری این شرکت‌ها می‌توانستند درآمد زیادی کسب کنند. در پی گسترش این بیماری، نوعی ریسک در سپرده‌گذاران بانکی ایجاد می‌کند که به آن اصطلاحاً ریسک هجوم

این روند شاید باعث کاهش عملیات و فعالیت بانک و عدم توانایی بانک در عمل به تعهدات به موقع خود شود.

در این جا پیشنهادهایی برای کاهش آسیب پاندمی کرونا به صنعت بانکداری ارائه می‌نمایم که برخی از آن‌ها شامل افزایش نرخ بهره جهت تشویق مردم به عدم خروج سپرده‌های بانکی، تسهیلاتی که بین صاحبان مشاغل توزیع شده است، برحسب سودآوری و عدم سودآوری کسب‌وکارها در دوران شیوع کرونا تقسیم شود. اگر مشاغل سودآور در این دوره از بازپرداخت تسهیلات خودداری کردند، بر آن‌ها جریمه‌ی تأخیر تأدیه‌ی سنگین‌تر وضع شده و از محل این جریمه‌ها به صاحبان کسب‌وکارهای کم‌سود در این دوران اعتبار داده شود تا زیان آن‌ها جبران شود. جریمه‌های نکول کسب‌وکارهای کم‌سود این دوران نیز با تخفیف از محل تسهیلاتی که قرار است دریافت کنند، کسر شود. بانک‌هایی که نسبت به سایرین سرمایه‌گذاری کم‌تری در کسب‌وکارهای سودآور این دوران داشتند و هم نکول بالایی متوجه شان شده، لازم است برای جبران نقدینگی، بانک مرکزی جریمه‌ی دریافتی از آن‌ها را در قبال استقراض از بانک مرکزی به نسبت سایر بانک‌ها کاهش دهد.

◀ کورش پرویزیان:

در تمامی دنیا تأثیر اصلی کرونا پس از حوزه‌ی سلامت فردی بر حوزه‌ی اقتصاد و کسب‌وکار بوده است. بانک‌ها به‌عنوان رکن اصلی فعالیت‌های اقتصادی بیش‌ترین تأثیر را از عملکرد فعالین اقتصادی طی سال اخیر متحمل شدند. البته در راستای حل مشکلات فعالان اقتصادی، بانک‌ها بیش‌ترین تعامل را با ایشان داشته و مصوبات ستاد ملی کرونا را سریعاً اجرا کرده‌اند. همچنین ظهور این بیماری بخش‌هایی از اقتصاد را با رکود مواجه کرده است ولی برخی از بخش‌های دیگر را فعال کرده و رونق

بخشیده است (خدمات گردشگری، هتل‌داری عمیقاً راکد ولی بخش‌هایی از سلامت با رشد مواجه شد). این بخش‌ها توانستند با جذب منابع حمایتی از رشد اقتصادی خوبی برخوردار بوده و بخشی از رکود اقتصادی را تبدیل به رونق کنند. در کل به نظر نمی‌رسد جز مواردی نظیر ذخایر مطالبات و شناسایی درآمد که در سؤال اول و دوم توضیح داده شد کرونا تأثیر دیگری در گزارشگری بانک‌ها داشته باشد.

◀ علی صالح‌آبادی:

همه‌گیری کرونا چالش‌های جدی در محیط کسب‌وکار و بازار پولی و مالی کشورها به وجود آورده است. نظر به این‌که بانک‌ها و نظام بانکداری کشورها نقش تعیین‌کننده‌ی در رونق اقتصادی و توسعه‌ی بازار کسب‌وکار در جامعه دارند، بانک‌های کشورها نیز از تعرضات گسترده‌ی این ویروس مصون نمانده است. به‌اختصار می‌توان برخی از پیامدها و چالش‌های عمده‌ی آن را که شیوع ویروس کرونا بر نظام بانکداری و بانک‌ها و مؤسسات مالی و پولی کشورها وارد کرده است می‌توان به شرح زیر بیان کرد:

الف) چالش‌های همه‌گیری کرونا برای نظام بانکی:

ویروس کرونا روش‌ها و رفتارهای سنتی و متعارف بانکداری و ارائه‌ی خدمات بانکی به صورت حضوری و یا فیزیکی را به چالش کشانده و در عمل محدودیت‌های زیادی را در فعالیت بانکی ایجاد کرده است. امروزه استفاده از سکه‌ها و یا اسکناس‌های بانکی به دلیل تأثیر در شیوع پاندمی ویروس کرونا به شدت محدود شده، و با هزینه‌های زیاد ضدعفونی شده و حتی استفاده از آن در برخی از نظام‌های بانکداری متوقف شده است. در نتیجه شیوع پاندمی ویروس کرونا

بانک‌های دنیا به‌ویژه بانک‌های اروپایی در دادن تسهیلات اعتباری و وام‌های طولانی‌مدت برای کسب‌وکارهای بزرگ از خود مقاومت نشان داده و در اعطای وام‌های کوتاه‌مدت و کم‌حجم و با ریسک‌های پایین نیز با احتیاط برخورد می‌کنند. این امر جریان نقدینگی را در بازار پولی و مالی با مشکل جدی مواجه می‌کند. پیش‌بینی می‌شود بازارهای بانک‌محور نظیر آلمان در اروپا بیشترین آسیب را از این ناحیه متحمل شوند.

اشخاصی که از بانک‌ها وام و یا تسهیلات بانکی دریافت کرده‌اند، به دلیل از دست دادن مشاغل و کسب‌وکار خود و یا کاهش فروش کالا و خدمات و یا سود متعلقه به آن، قادر به ایفای تعهدات خود در پرداخت اقساط بانکی نیستند و این امر موجبات بروز اختلافات گسترده‌ی فی‌مابین مشتریان بانکی و بانک‌های ذی‌ربط ایجاد نموده است.

مشتریان بانک‌ها به دلیل ناتوانی در پرداخت بدهی خود به دنبال حمایت‌های مالی و پولی بانک‌های مرکزی، بانک‌های عامل و حتی دولت‌ها در این خصوص هستند. در اکثر کشورها، بانک‌های مرکزی و یا دولت‌ها به بانک‌های عامل دستور و یا توصیه کرده‌اند که آن‌ها مشکلات امروزه بدهکاران بانکی را در نظر بگیرند، و به‌ویژه آن‌که مطالبات اقساط خود را برای چندین ماه به تعویق بیندازند. بانک‌های عامل نیز از اختلال یا توقف بازار کسب‌وکار متضرر شده‌اند و لذا به دنبال مشوق‌هایی هستند تا با حفظ کارکنان خود و عدم تعدیل گسترده‌ی نیروی انسانی، فضای مناسبی برای استمرار در فعالیت‌های بانکی خود ایجاد کنند. در این راستا، بانک‌ها تلاش می‌کنند تا ضمن ملاحظات پروتکل‌های بهداشتی و رعایت فاصله‌گذاری اجتماعی، محیط کسب‌وکار خود را از حالت رکود به حالت نیمه‌فعال نگه‌دارند. باید به این نکته نیز توجه داشت که

پروتکل حاکم بر مقررات فاصله‌گذاری اجتماعی به معنای آن است که تعداد کم‌تری از مشتریان می‌توانند به صورت حضوری به بانک‌ها مراجعه کنند و عملاً فشار سنگینی را بر استفاده از زیرساخت‌های دیگر ارتباطی نظیر پشتیبانی تلفنی، آن‌لاین اینترنت بانکی و دیگر فضای مجازی رسانه‌ای ایجاد کرده است.

توقف فعالیت‌های بنگاه‌های اقتصادی از خطوط هواپیمایی و حمل‌ونقل تا سیاحت و گردشگری، آسیب‌های وارده بر مشتریان بانکی صاحبان مشاغل تولیدی و تجاری؛ ضعیف شدن بنیه مالی مصرف‌کنندگان تسهیلات بانکی و تبدیل شدن آن‌ها به بدهکاران بزرگ بانکی کشورها، سودآوری نظام بانکی را متأثر ساخته و عملاً توازن صورت‌های مالی بانکی را به هم زده است. مؤسسه‌ی رتبه‌بندی استاندارد و پور هشدار داده است که صنعت بانکداری آمریکا که در سال گذشته ۱۹۵ میلیارد دلار سود برده بود، ممکن است در سال ۲۰۲۰ میلادی با زیان ۱۵ میلیارد دلاری مواجه شود.

کاهش فعالیت‌های کسب‌وکار، کاهش بهره‌های بانکی، افزایش هزینه‌های بانکداری، از دست دادن درآمدهای ناشی از وام‌های اعطایی بانکی، و دیگر پی‌آمدهای شیوع ویروس کرونا جاده‌ی یک‌طرفه‌ای را ساخته است که از یک طرف ممکن است اعتبار بانک را در رعایت مسئولیت اجتماعی بانک‌ها محک بزند و از طرفی ممکن است غول نظام بانکداری جهانی را به زمین زده و باعث سقوط آن گردد.

اگرچه شیوع ویروس کرونا جهان را به سوی رکود عمیق اقتصادی فرو خواهد برد، و سقوط اقتصاد در شیب تندی اتفاق خواهد افتاد، ولی دوره‌ی عبور از پی‌آمدهای کرونایی معلوم نبوده و ممکن

است خیلی طولانی باشد. به‌عنوان مثال، با آن که مؤسسات اتحادیه‌ی اروپا و ملت‌های اروپایی از قبل بیش از ۳.۳ تریلیون یورو (معادل ۳.۶ تریلیون دلار) را برای کمک به خدمات بهداشتی، محیط‌های کسب‌وکار آسیب دیده از قبیل رستوران‌ها و گردشگری، و کمک مالی به اشخاص بیکار شده اختصاص داده است، پیش‌بینی به عمل آمده حاکی از آن است که اقتصاد منطقه‌ی اروپا کاهش ۷.۵٪ تا ۱۰٪ از توان اقتصادی در هر فصل را تجربه خواهد کرد.

ب) پی‌آمدهای همه‌گیری کرونا برای نظام بانکی:

مدیریت اعتباری: به‌دلیل رکود حاکم در بازار متأثر از شرایط قرنطینه و محدودیت‌های اقتصادی، مشتریان بانک امکان بازپرداخت معوقات خود را نداشته و پرداخت اصل و بهره‌ی تسهیلات بانکی با اختلال مواجه خواهد شد. یکی از راهکارهای برون‌رفت از این مشکل، اقدامات حمایتی دولت، تمدید اعتبارات، ارتقای بانکداری دیجیتال و جهت‌مدیریت تمدید اعتبارات بانکی و غیره است؛

انقباض درآمدها: کاهش درآمدهای بانکی در شرایط کرونایی ممکن است دلایل متعددی از قبیل کاهش نرخ سود بانکی، معوق شدن بازپرداخت بدهی‌ها، کاهش تأمین مالی تجاری، و توقف یا تعلیق در پرداخت‌های فرامرزی و بین‌المللی بانکی، داشته باشد.

خدمات مشتریان: در شرایط کرونایی به دلیل ضرورت قرنطینه‌ی همه‌گیر و پس از آن محدودیت‌های ناشی از فاصله‌گیری اجتماعی، خدمات قابل‌ارائه به مشتریان بانکی کاهش پیدا می‌کند. برخی از راهکارهای برون‌رفت از این بحران، آموزش مشتریان برای استفاده

از خدمات آن‌لاین بانکی؛ کاهش ریسک شیوع ویروس کرونا از طریق کاهش ارتباط فیزیکی، ارائه‌ی مشاوره‌ی شخصی و اختصاصی به مشتریان با استفاده از فضای مجازی و هوشمند اینترنتی؛ حمایت از مدیران بنگاه‌های کوچک اقتصادی؛ و فروش و تسریع در معاملات دیجیتالی کالا و خدمات است.

عملیات بانکی و کنترل هزینه و نوآوری‌ها؛ لازم است در شرایط کرونایی، بانک‌ها جهت طراحی خلاقیت‌ها و نوآوری‌های برون‌رفت از بن‌بست‌ها اتاق جنگ تشکیل گردد؛ هزینه‌های پروژه‌ها موضوع تسهیلات و اعتبارات بانکی مورد بازبینی قرار گیرد؛ با مشتریان بانکی، پیمانکاران و ارائه‌دهندگان خدماتی به صورت انعطافی برخورد شود؛ و مهم‌تر از همه‌ی این موارد، سرمایه‌گذاری گسترده در حوزه‌ی سلامت و بهداشت و تهیه‌ی تجهیزات پزشکی جهت از بین بردن کرونا انجام شود.

قطعاً یکی از اساسی‌ترین محورهای چالش‌برانگیز ناشی از شیوع گسترده‌ی کووید ۱۹، ریسک اعتباری بانک ناشی از عدم بازپرداخت اقساط و انباشته شدن حجم بالای مطالبات بانکی است. در همین راستا مطالبات بانک‌ها افزایش یافته و از سوی دیگر رشد فزاینده‌ی سوددهی برخی بازارهای جدید مانند رمزارزها موجبات خروج نقدینگی (سپرده) از بانک را در برداشته و همزمانی این دو مسئله، ضمن افت نسبت کفایت سرمایه در بانک‌ها، مخاطراتی از جمله افزایش ریسک نقدینگی را در بر خواهد داشت.

شیوع کووید-۱۹ برای صنعت بانکداری هم تهدید و هم فرصت را رقم زده است. دولت اعلام کرده به مشاغل آسیب دیده از کووید-۱۹ تحت شرایط خاصی، وام با نرخ بهره‌ی پایین‌تر اعطا خواهد کرد. چنانچه اعطای این وام

به صورت استمهال یا تسویه و وام‌های قبلی باشد، فاقد جریان نقدی بوده و صرفاً موجب تعویق انتقال مطالبات بانک‌ها به طبقه‌ی غیرجاری خواهد شد. با تداوم تبعات اقتصادی کووید-۱۹ و رکود اقتصادی تا پایان سال، ریسک اعتباری بانک‌ها افزایش می‌یابد. لذا بخشی از وام‌ها در پایان سال به صورت وام‌های غیرجاری در ترازنامه انعکاس یافته و مطالبات غیرجاری بانک‌ها افزایش خواهد یافت. این موضوع احتمال افزایش ذخایر خاص تسهیلات و کاهش درآمدهای شناسایی شده را در پی دارد. تبعات منفی کووید-۱۹ بر بخش‌های اقتصادی و به تبع آن صنعت بانکداری اجتناب‌ناپذیر است. در مورد کارمزدها نیز اگرچه منجر به کاهش درآمد کارمزد خدمات حضوری شده اما با مراجعه‌ی کمتر مشتریان به بانک‌ها و انتقال وجوه از طریق درگاه‌های بانکداری الکترونیک، فرصتی برای افزایش درآمد کارمزد بانک‌ها پدید آمده است. شیوع کووید-۱۹ ضرورت گسترش بانکداری الکترونیک را یادآوری کرده که این موضوع باعث تقویت زیرساخت‌های بانکداری الکترونیک و اتکاپذیری آن و جلب اعتماد عمومی در خصوص بانکداری دیجیتال خواهد بود. بسیاری از مشتریانی که در گذشته حاضر به استفاده از بانکداری الکترونیک نبوده یا امکان آن را نداشته‌اند، به سمت استفاده از این خدمات گرایش یافته‌اند. با گرایش افراد به بانکداری الکترونیک، تعدد شعب فیزیکی بانک‌ها فاقد توجیه اقتصادی بوده و از کارایی و اثربخشی اقتصادی لازم برخوردار نیست. بانکداری الکترونیک اجازه‌ی تعامل با بانک، بدون واسطه و از طریق کانال‌های متنوعی از قبیل اینترنت، موبایل، دستگاه‌های خودپرداز، تلویزیون هوشمند و تلفن را به مشتریان می‌دهد. عدم نیاز به حضور فیزیکی افراد به منظور برخورداری از خدمات مالی مختلف و همچنین

ارائه‌ی خدمات الکترونیکی مختلف از سوی بانک‌ها باعث سهولت دسترسی به خدمات و نیز تنوع ارائه‌ی خدمات شده است که موجب کاهش هزینه و زمان مشتریان خواهد شد. روشن است که گسترش بانکداری الکترونیک به واسطه‌ی سهولت دسترسی مشتریان به خدمات بانکی موجب افزایش درآمدهای غیرمشاع بانک‌ها می‌شود. درآمدهای غیرمشاع بانک به واسطه‌ی دریافت کارمزد خدمات ارائه شده و ارائه‌ی مشاوره‌های مالی و سرمایه‌گذاری حاصل می‌شود. از جمله‌ی این درآمدها: خدمات اعتبار اسنادی، خدمات ضمانتنامه‌ی بانکی، خدمات بانکداری الکترونیک، خدمات بانکداری بین‌المللی و ارزی، کارمزد نگهداری اسناد و اوراق بهادار مشتریان، صدور انواع چک‌ها و غیره است. درآمدهای غیرمشاع تأثیر بیشتری در سودآوری بانک‌ها به عنوان یک درآمد نقدی از خود نشان می‌دهد. همین امر باعث شده تا بانک‌ها به اهمیت کسب این درآمد پی برده و با تبلیغات خدمات متنوع خود سعی در کسب سهم بیشتری از این نوع درآمد در بازار باشند. در واقع این درآمدها نشان می‌دهد که فعالیت‌های اقتصادی بانک‌ها چه میزان خدمات محور بوده است.

۹

چالش تحریم‌ها

پس از خروج یک‌جانبه‌ی آمریکا از برجام و تشدید تحریم‌های اقتصادی و بانکی بین‌المللی علیه ایران، چه محدودیت‌هایی بر نظام بانکی و صنعت بانکداری کشور تحمیل گردیده و آثار آن در اقتصاد ایران چگونه نمود پیدا کرده است؟ با بازگشت آمریکا به برجام و در فضای پس‌تحریم چه گشایشی در نظام بانکی رخ خواهد داد؟ آیا امکان استفاده‌ی حداکثری از فرصت‌هایی که ایجاد می‌شود، وجود دارد؟ چه

موانع و محدودیت‌هایی ممکن است استفاده‌ی حداکثری از فرصت‌های مزبور را در معرض تهدید قرار دهد؟

◀ مرتضی اسدی:

تشدید تحریم‌های بین‌المللی اقتصادی و بانکی علیه ایران به واسطه‌ی خروج آمریکا از برجام که منجر به توقف فعالیت‌های بانکی شعب و واحدهای خارج از کشور و قطع مرادات کارگزاران خارجی با بانک‌های داخل شد، درآمدهای حاصل از سود و کارمزد تسهیلات اعطایی و اعتبارات گشایش شده را به شدت کاهش داده است. همچنین افت قابل‌ملاحظه‌ی ارزش ریال، بسیاری از واحدهای تولیدی را که از محل اعتبارات صندوق توسعه‌ی ملی و یا منابع داخلی بانک‌ها تسهیلات ارزی دریافت کرده‌اند، در بازپرداخت اقساط به صورت ارزی با مشکل مواجه کرده است. علاوه بر این، هزینه‌ی جابه‌جایی و انتقال پول به دلیل تحریم افزایش یافته و از طریق بازارهای موازی از جمله صرافی‌های بخش خصوصی انجام می‌شود که کاهش درآمدهای کارمزدی بانک‌ها را تشدید کرده است. همچنین بسیاری از واحدهای تولیدی به واسطه‌ی تحریم با ریسک عملیاتی، کاهش ظرفیت عملی تولید و کاهش درآمدهای صادراتی مواجه شده‌اند، که با عدم بازپرداخت اقساط به دلیل درماندگی مالی ریسک اعتباری بانک‌ها را افزایش داده است.

پیش‌نیاز اصلی جذب سرمایه‌گذاری خارجی و اجرای توافق‌نامه‌های تجاری بلندمدت، ثبات اقتصادی و سیاست‌گذاری نظام حکمرانی کشور است. حتی در صورت گشایش‌های اقتصادی موقت و انجام برخی فعالیت‌های بانکی با طرف‌های خارجی در صورت رفع نشدن عدم اطمینان و ابهام‌های پیش روی سرمایه‌گذاران،



کارگزاران بزرگ خارجی تمایلی به مشارکت در سرمایه‌گذاری در کشور نخواهند داشت. در صورت لغو تحریم‌ها، بانک‌ها برای امکان حضور در عرصه‌ی بین‌المللی ناچار به اصلاح سیستم‌های عملیاتی منطبق با استانداردهای روز دنیا و بهبود نسبت‌های مالی به‌ویژه نسبت کفایت سرمایه و نسبت‌های سودآوری خواهند بود.

◀ جواد باغبان:

به‌طور قطع رفع تحریم‌های بین‌المللی تأثیرات مثبتی در بازار پولی و شبکه‌ی بانکی کشور خواهد گذاشت. این فرصت فراهم می‌شود که بانک‌های کشور مبادلات مالی بین‌المللی در سطح قبل از تحریم و حتی فراتر از آن را داشته باشند. از جمله مزایای مهم رفع تحریم‌ها آزادسازی پول‌های

بلوکه‌شده‌ی بانک‌ها و کاهش ریسک کار با کارگزاری‌های نامطمئن است. تحریم اقتصادی از دو مسیر بانک‌های ایرانی را در تنگنا قرار داد. بخشی از تحریم به صورت مستقیم نظام بانکی را هدف قرار داد و بانک‌های ایرانی را از کار کردن با شرکای خارجی و امکان ادامه‌ی فعالیت در عرصه‌ی بین‌المللی محروم کرد و در نتیجه سودآوری بانک‌ها به‌شدت کاهش یافت. اثر غیر مستقیم تحریم اقتصادی آن بود که هزینه‌ی مبادله در اقتصاد افزایش یافت و بنگاه‌های اقتصادی با مشکلات جدی مواجه شدند. نتیجه آن که نیاز به نقدینه‌خواهی آن‌ها از بنگاه‌های اقتصادی افزایش یافت و در کنار آن بنگاه‌ها در بازپرداخت بدهی خود به نظام بانکی دچار مشکل شدند. نتیجه‌ی این امر نیز منجر به کاهش سودآوری

بانک‌ها و افزایش مطالبات غیرجاری آن‌ها بود. می‌توان انتظار داشت که با رفع تحریم، آن دسته از مشکلاتی که به دلیل تحریم اقتصادی چه به صورت مستقیم و چه به صورت غیرمستقیم بر نظام بانکی تحمیل شده، دیگر در نظام بانکی کشور وجود نداشته باشند و یا از عمق و وسعت آن کاسته شود و از این مسیر برخی از نارسایی‌های نظام بانکی کشور بهبود یابد. با کاهش هزینه‌ی مبادله در اقتصاد، نیاز نقدینه‌خواهی بنگاه‌ها و تقاضا برای تسهیلات از این محل کاهش می‌یابد و از شدت تنگنای اعتباری موجود کاسته می‌شود. همچنین به‌دلیل کاهش ریسک سرمایه‌گذاری در کشور منابعی از داخل و خارج کشور وارد اقتصاد ایران خواهد شد که بخشی از آن به‌طور طبیعی نزد بانک‌ها سپرده‌گذاری

می‌شوند و از این سمت جریان منابع سیستم بانکی تقویت خواهد شد و شدت تنگنای اعتباری موجود را کاهش می‌دهد. به دلیل امکان حضور بانک‌های کشور در عرصه‌ی بین‌المللی، سودآوری آن‌ها از این محل افزایش خواهد یافت. همچنین به دلیل کاهش ریسک سرمایه‌گذاری در کشور و رونق فعالیت‌های اقتصادی می‌توان انتظار داشت که مسأله‌ی بدهی بخش غیر دولتی به سیستم بانکی کاهش یافته و نسبت مطالبات غیر جاری در نظام بانکی به‌صورت قابل توجه کاهش یابد و به استانداردهای جهانی نزدیک شود. همزمان ورود بانک‌های خارجی به اقتصاد ایران می‌تواند منجر به گسترش فضای رقابتی در بازار پولی کشور و ورود ابزارها و تکنولوژی‌های جدید در این حوزه شود. این بانک‌ها به دلیل روابط بین‌المللی قوی خود می‌توانند جریان جذب منابع بیش‌تر از سوی سرمایه‌گذاران خارجی را شدت بخشیده و بر عمق و وسعت این بازار بیفزایند. اما با رفع تحریم‌ها برخی از موارد به صورت خودکار رفع نخواهند شد و کماکان وجود خواهند داشت. برای اصلاح این دسته از مشکلات باید سیاست‌گذاران اقتصادی کشور دست به اصلاحات جدی بزنند. این موارد عبارت است از کماکان ابزار دخالت دولت در نظام بانکی کشور و سلطه‌ی بخش مالی و پولی وجود خواهد داشت که می‌تواند موجب اخلال و برهم خوردن توازن منابع و مصارف در بازار پول شود. مشکلاتی نظیر چگونگی تعیین نرخ سود (تسهیلات اعطایی و سپرده‌ها)، تسهیلات تکلیفی، موضوعات مرتبط با بانکداری اسلامی و غیره مواردی هستند که مستقل از وجود و یا عدم وجود تحریم در اقتصاد ایران سابقه‌ی بحث طولانی دارند. نواقص قانونی و سیاست‌گذاری احتمالی در کلیه‌ی بخش‌های اقتصادی نظیر

بازار کار و غیره وجود خواهد داشت که می‌تواند اثربخشی سرمایه‌گذاری داخلی و همچنین جذابیت برای ورود منابع از سوی سرمایه‌گذار خارجی را کاهش دهد که اثر غیرمستقیم آن در رونق فعالیت بانک‌ها خواهد بود. وضعیت تراز و حسابرسی صورت‌های مالی بانک‌ها در شرایط مطلوبی قرار ندارد و در کنار آن بانک‌های داخلی از استانداردهای ارائه شده از سوی کمیته‌ی بال دور هستند. این امر سبب خواهد شد که شرکای خارجی برای همکاری مشترک با بانک‌های داخلی دچار تردید شوند. بنابراین بایستی در این بخش به ایجاد فرصت‌ها و یا در معرض قرار گرفتن تهدیدها از هر دو جنبه جهت گشایش اقتصادی و بازار پولی کارا و موفق تلاش ویژه‌ای کرد.

◀ علی صالح آبادی:

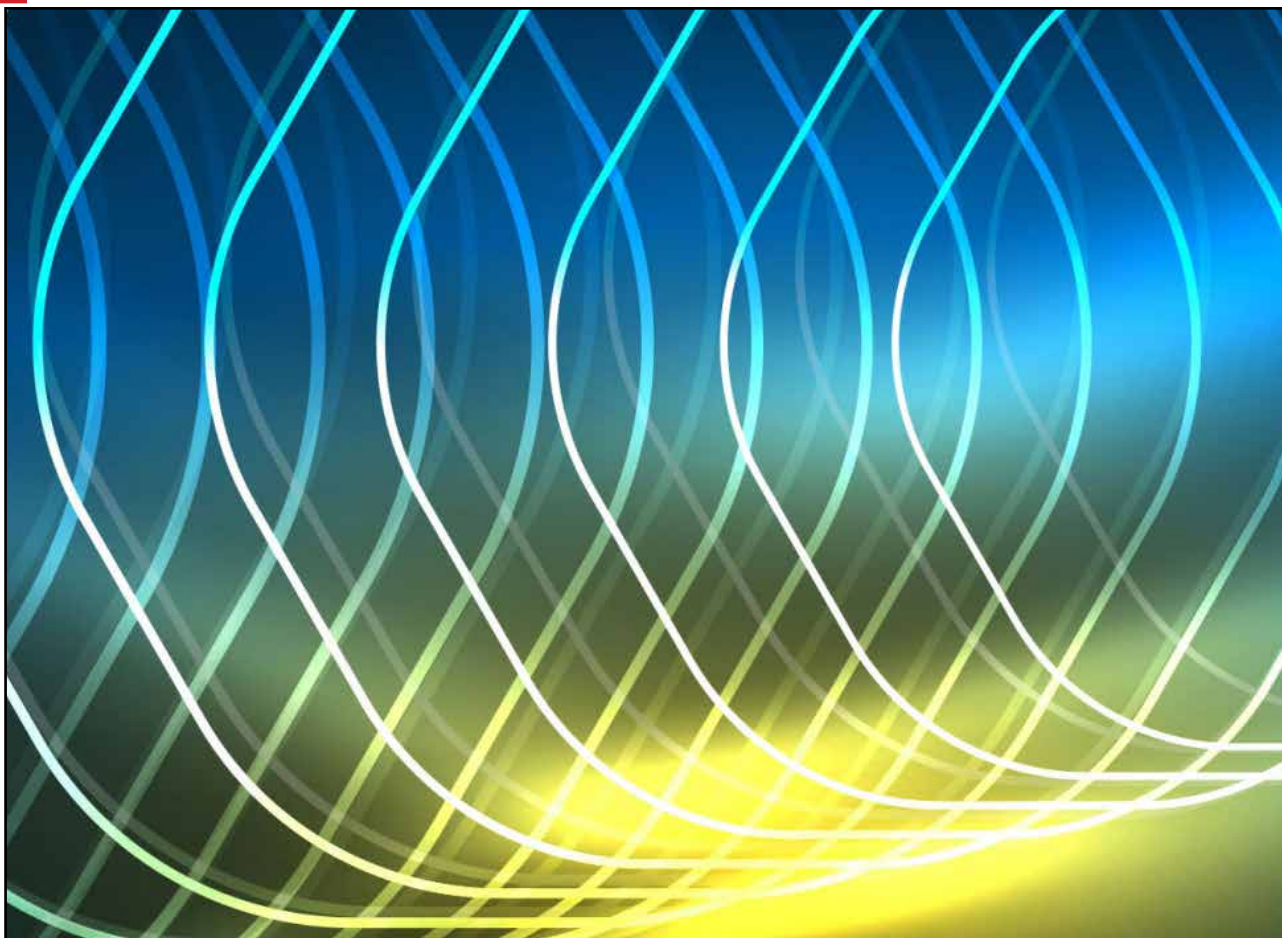
متعاقب امضای برنامه‌ی جامع اقدام مشترک موسوم به برجام توسط ج.ا.ایران و شش قدرت بزرگ سیاسی اقتصادی دنیا، محدودیت‌های تحمیل شده ناشی از تحریم‌های ظالمانه بر نظام بانکی کشور برداشته شده و راه برای همکاری بانکی با بانک‌های سایر کشورها هموارتر شد. لغو تحریم‌ها و اتصال مجدد به شبکه سوئیفت تا حدودی زمینه را برای برقراری ارتباطات بانکی‌های ایرانی و امکان دسترسی به خدمات کارگزاری بانک‌های مستقر در خارج از کشور به‌منظور ارائه‌ی خدمات بانکی بین‌المللی به مشتریان با استفاده از انواع ابزارهای پرداخت بین‌المللی و دسترسی به منابع ارزی تحت خطوط اعتباری فراهم کرد. هرچند لازم به ذکر است در آن مقطع موانع دیگری پیش روی بانک‌های ایرانی برای همکاری با بانک‌های سایر کشورها وجود داشت که از آن جمله می‌توان به کارشکنی‌هایی که ایالات متحده برای بانک‌های همکار ایران ایجاد می‌کرد (به‌واسطه‌ی سایر

تحریم‌های غیر مرتبط با برنامه‌ی هسته‌ای ایران) اشاره کرد که موجب اتخاذ سیاست‌های محتاطانه در قبال ایران توسط بانک‌های دیگر به‌ویژه بانک‌های بزرگ و شناخته شده‌ی بین‌المللی در گذشته و پس از برجام شد.

متأسفانه پس از خروج یک‌جانبه‌ی ایالات متحده و احیای تحریم‌های هسته‌ای و حتی تحریم‌هایی شدیدتر علیه بانک‌های کشورمان، مسیری که به‌واسطه‌ی برجام برای بانک‌های کشور شکل گرفته بود با قطع مجدد سوئیفت و اعمال انواع تحریم‌ها دوباره بسته شد. حساب‌های بانک‌ها مسدود و بهره‌برداری از منابع موجود در آن‌ها غیرممکن شد. حلقه‌ی تحریم به‌مرور حتی کار را برای برخی بانک‌های ایرانی مستقر در خارج از کشور نیز که قادر بودند با برخی بانک‌های خارجی ارتباط و همکاری داشته باشند دشوارتر کرد. به نحوی که در حال حاضر معدود بانک‌های غیر تحریمی ایرانی می‌توانند با تعداد کمی بانک نسبتاً کوچک در چند کشور خاص آن‌هم فقط در قالب تجارت اقلام بشردوستانه و غیر تحریمی مبادلات مالی داشته باشند.

اقتصاد کشور به تبع تنگنای ایجاد شده علی‌الخصوص در روابط بانکی با کاهش درآمدهای ارزی، افزایش نرخ ارز، کاهش درآمدهای کشور ناشی از عدم امکان فروش نفت، گاز، فولاد و سایر اقلامی که تحریم بر آن‌ها اعمال شده بود مواجه شد و درآمدهای صادراتی کشور به‌دلیل تحریم بر شبکه‌ی بانکی به‌سختی قابل وصول بود. بانک‌ها به دلیل عدم امکان استفاده وسیع از ابزارهای تجاری و محدودیت در خدمت‌رسانی به مشتریان خود در حوزه‌ی بین‌الملل با کاهش درآمد مواجه شدند.

در صورت احیای برجام و رفع تحریم‌های بانکی موصوف از جمله



اتصال به شبکه‌ی جهانی سوئیفت، بانک‌های خارجی ارتباط با بانک‌های ایرانی را مجدداً بررسی نموده و احتمالاً همکاری را با احتیاط از سر بگیرند. پیش‌بینی می‌شود که در این صورت بسیاری از بانک‌های بزرگ و بین‌المللی از ارتباط با بانک‌های ایرانی خودداری کنند و در گام نخست همان بانک‌های کارگزار منتخب کوچک و متوسط قبلی که طی سال‌های اخیر با بانک‌های ایرانی همکاری می‌کرده‌اند وارد توسعه‌ی روابط با بانک‌های ایرانی شوند. از جمله دلایل آن می‌توان به عدم تغییر و پابرجا ماندن تحریم‌های غیر هسته‌ای (تروریسم و...) و پرهیز بانک‌ها از جرایم سنگین ایالات متحده به دلیل نقض تحریم‌های موصوف اشاره کرد.

به نظر می‌رسد در صورت رفع تحریم‌های اعمال‌شده از سوی آمریکا

ریسک کشور ایران در کوتاه‌مدت از سوی بانک‌های تراز اول جهان (به دلیل سابقه‌ی آمریکا در عدم ثبات رفتاری و احتمال بازگرداندن تحریم‌ها) همچنان بالا بوده که این عامل می‌تواند یکی از مهم‌ترین موانع در استفاده‌ی حداکثری از فرصت رفع تحریم ارزیابی شود.

◀ فرهاد نیلی:

باتوجه به محدودیت‌های ناشی از تحریم ظالمانه‌ی آمریکا عملاً انجام مبادلات بین‌المللی به پایین‌ترین سطح خود رسیده، که این موضوع ضررهای هنگفتی به اقتصاد کشور خصوصاً صنعت بانکداری وارد کرده است. کاهش درآمد کارمندی حاصل از گشایش اعتبارات اسنادی خارجی، صدور ضمانتنامه‌های گمرکی برای بازرگانان و واردکنندگان کالا، صدور مسترکارت‌ها و سایر خدمات

بانکی و همچنین عدم دسترسی به منابع مالی مسدود شده در بانک‌های خارجی همه و همه از جمله مواردی بوده که در نهایت باعث کاهش خدمات بانکی شده و بانک‌ها را از دریافت درآمدهای کارمندی غیرمشاع محروم کرده است.

با برطرف‌شدن محدودیت‌های تحریمی در دوران پسابرجام فرصت مناسبی به‌وسیله‌ی ارائه‌ی خدمات بانکی و دسترسی به منابع مالی نزد بانک‌های خارجی می‌تواند اثرات مثبتی در جهت تحقق درآمدهای با کیفیت ایجاد کند. از سوی دیگر با بازگشت آمریکا به برجام سرمایه‌گذاران خارجی نیز برای ورود به عرصه‌ی سرمایه‌گذاری در ایران نیازمند خدمات مالی و بانکی بانک‌های ایرانی بوده که این مهم نیز به نوبه‌ی خود می‌تواند نظام بانکی کشور را ذی‌نفع نماید. آنچه حائز اهمیت است آمادگی

لازم برای ایجاد بستر خدمت‌رسانی مناسب به کلیه مخاطبان بانکی است و می‌بایست بیش از هر زمان دیگری احیای زیرساخت‌های لازم را در این عرصه فراهم و به تبع آن از منافع حاصل از آن بهره‌برداری کرد.



چالش نظام الکترونیک

بانک‌ها

نظام CBS یا سیستم کربن‌کینگ (نظام الکترونیک بانک‌ها)، امکانات نرم‌افزاری و سخت‌افزاری جامعی است که کلیه عملیات و خدمات بانکی و تراکنش‌های مربوط، همچنین نظام جامع اطلاعاتی و یک‌پارچه‌ی بانک‌ها را پوشش می‌دهد. مدیریت و نظارت بر عملیات بانکی بدون طرح و استقرار نظام جامع مزبور با نواقص جدی مواجه بوده و عملاً غیرممکن خواهد بود. استفاده از سیستم‌های نرم‌افزاری متفاوت در بانک‌ها و مؤسسات اعتباری ایران چه توجیهی دارد و چه آسیب‌هایی را متوجه نظام اطلاعاتی بانک‌ها در سطح کلان و ملی خواهد ساخت؟ مسئولیت بانک مرکزی در این زمینه چیست؟ با توجه به صرف هزینه‌های هنگفت برای طرح و استقرار نرم‌افزارهای مختلف بانکی، آیا کلیه اطلاعات و گزارش‌های کلیدی مورد نیاز بانک‌ها و مؤسسات اعتباری، از طریق نرم‌افزارهای مورد عمل تهیه می‌گردد؟ اطلاعات و گزارش‌هایی که به صورت دستی و یا از طریق نرم‌افزار اکسل تهیه می‌شود، کدامند؟ حساب‌رسان مستقل برای آزمون محتوای اطلاعات و گزارش‌های اخیر که خارج از سیستم نرم‌افزاری بانک‌ها تهیه می‌شود، با کدام چالش‌ها مواجه هستند؟

◀ مرتضی اسدی:

به‌رغم الزامات بانک مرکزی برای

استقرار سیستم‌های اطلاعاتی یکپارچه و متمرکز، به‌دلیل نبود نقشه‌ی راه مشخص در هیأت مدیره‌ی بانک‌ها، بخش فناوری اطلاعات با تحمل هزینه‌های گزاف رویکرد جزیره‌ای را پیش گرفته که نه تنها نیازهای اطلاعاتی استفاده‌کنندگان برون‌سازمانی را تأمین نمی‌کند بلکه عمده‌ی کارکنان شعب نیز برای رفع نیازهای اطلاعاتی و پاسخ‌گویی روزمره از نرم‌افزار اکسل استفاده می‌کنند. با توجه به تحریم‌ها، امکان انتقال دانش فنی و خرید نرم‌افزارهای روز دنیا و پشتیبانی آن فراهم نبوده و در نبود مدیریت منسجم، هر بانک با الگو و اولویت متفاوتی در این زمینه سرمایه‌گذاری و پروژه‌های متعدد تعریف می‌کند. بانک مرکزی به‌عنوان ناظر و متولی بازار پول می‌تواند کارگروهی را به منظور طراحی نرم‌افزار جامع با کدینگ استاندارد تشکیل دهد که همه‌ی نیازهای اطلاعاتی استفاده‌کنندگان را تأمین کند. این امر علاوه بر هم‌افزایی ناشی از به‌کارگیری تجربیات همه‌ی بانک‌ها می‌تواند با سرشکن کردن هزینه‌های طراحی و توسعه، هزینه‌های پشتیبانی بانک را کاهش دهد.

یکی از مهم‌ترین چالش‌های حساب‌رسان در حال حاضر علاوه بر وجود سیستم‌های جزیره‌ای (که در برخی موارد با یکدیگر مغایرت دارند)، عدم پیش‌بینی ایجاد دسترسی کاربر صرفاً با قابلیت گزارش‌گیری در برخی نرم‌افزارهای مالی است که منجر به محدودیت در دسترسی برای حساب‌رسان مستقل شده است. علاوه بر آن اطلاعات ارایه‌شده در قالب فایل‌های اکسل با توجه به قابلیت دستکاری از قابلیت اتکای کافی برخوردار نیستند.

◀ جواد باغبان:

همان‌گونه که در پاسخ به پرسش

شماره ۵ بیان شد به‌طور کلی می‌توان

گفت غالب بانک‌ها فاقد سیستم‌های

نرم‌افزاری جامع هستند که متناسب با ماهیت صنعت بانکی باشد، یا در صورت وجود، این نرم‌افزارها فاقد اطلاعات صحیح و به‌روزرسانی شده‌اند یا برخی از بانک‌ها از نرم‌افزارهای مختص به بانک خود استفاده می‌کنند که در حوزه‌ی بانکداری متمرکز است و اصلاً توجیه منطقی و سیستماتیک ندارد. وجود چنین نرم‌افزارهایی موجب آسیب‌رسانی‌های جدی به آرایه‌ی اطلاعات و گزارش‌گیری صحیح چه در سطح ملی و چه در سطح سهام‌داران و سپرده‌گذاران خواهد شد.

بار دیگر تأکید می‌کنم که بانک مرکزی به‌عنوان مهم‌ترین بازوی نظارتی بر عملکرد بانک‌ها و مؤسسات اعتباری در این خصوص وظیفه‌ی خطیری برعهده خواهد داشت. به عبارت دیگر، مسئولیت اصلی نظارت در این قسمت جهت استقرار سیستم نرم‌افزاری مناسب و متمرکز و جامع با توجه به تکالیف قانونی و داشتن احکام حاکمیتی و ... برعهده‌ی بانک مرکزی ج.ا.ا. و مدیران بانکی است. بر این اساس با توجه به صرف وقت و هزینه‌های سنگین عدم آرایه‌ی اطلاعات گزارش‌گیری بانک‌ها جهت استفاده‌ی ذی‌نفعان در هر مرجع و جایگاهی باعث شده که از راه‌های دیگری مدیران بانک‌ها گزارش‌های مربوطه‌ی خود را تهیه و آرایه کنند. در این خصوص می‌توان به مواردی از قبیل محاسبات ذخایر عمومی و اختصاصی در فایل صفحات گسترده (اکسل)، انجام محاسبات دستی درخصوص درآمدها، نبود سامانه‌ی جامعی به‌منظور شناسایی ذی‌نفع واحد طبق مفاد دستورالعمل تسهیلات و تعهدات کلان، نبود صورت ریز کاملی از اشخاص مرتبط طبق الزامات بانک مرکزی و انجام محاسبات نسبت کفایت سرمایه در فایل صفحات گسترده (اکسل) و ... اشاره کرد.

از طرف دیگر، با توجه به حجم گسترده‌ی عملیات بانکی وجود مقررات و الزامات متعدد در نبود کنترل‌های داخلی در سیستم‌های نرم‌افزاری، اظهار نظر برای حسابرسان در خصوص موارد عمده‌ی صورت‌های مالی بانک‌ها را بسیار پر مخاطره ساخته است. این مخاطره‌ها و چالش‌ها منجر به بالاتر رفتن ریسک حسابرسی و گزارشگری ناصحیح در سیستم بانکی و حسابرسی صورت‌های مالی خواهد شد. تمامی ارکان اعم از نظارتی، مدیران بانک مرکزی و حسابرسان بانک‌ها، به خصوص در راستای نظارت بر بخشنامه‌های مصوب در این خصوص و ارکان راهبری مدیران بانکی می‌توانند با ایجاد نرم‌افزارهای بهینه و تقویت ساختار کنترل داخلی مناسب این ریسک و مخاطره را کاهش دهند.

◀ کورش پرویزیان:

استقرار سامانه‌های جامع نظام بانکی که از مصوبات قانون برنامه‌ی توسعه بود، پیش‌تر و از دهه‌ی ۱۳۸۰ در نظام بانکی با ظهور بانک‌های خصوصی رونق و شدت گرفته است. آنچه سبب جزیره‌ای شدن این سامانه‌ها شده است یکی به دلیل نوظهور بودن آن در صنعت بانکداری کشور و دیگری به دلیل عدم وجود سند جامع نرم‌افزاری از سوی نهاد ناظر است. به نظر می‌رسد تدوین سند بالادستی در تعیین چارچوب کلان این نوع سامانه بسیار حیاتی و مؤثر باشد و بتواند به کاهش هزینه‌های عملیاتی و سرمایه‌ای بانک‌ها و تعیین جهت فعالان صنعت نرم‌افزار کمک شایانی بکند. البته ساختار خاص نظام بانکی ایران (قانون بانکداری بدون ربا) و تمایز آن در حوزه‌ی تسهیلات با دنیا و همچنین ملاحظات امنیتی، از جمله عوامل بازدارنده در بهره‌گیری از تجربیات و تعاملات با متخصصان بین‌المللی در این حوزه بوده است. به کارگیری

ابزارهایی نظیر اکسل و اکسس در تمام دنیا در حوزه‌ی مالی رواج دارد و منعی از این بابت نیست. صحت عمل در این نرم‌افزارها حائز اهمیت است. قطعاً حسابرسان نیز به تناسب افزایش سامانه‌های هر بانک باید با ابزارهای جدید و نیروی انسانی بیش‌تر تجهیز شوند تا بتوانند در خصوص اعتباربخشی صورت‌های مالی اقدام کنند.

◀ علی صالح‌آبادی:

الف - آیا تعدد سیستم‌های CBS بانک‌ها توجیه دارد؟ و آیا این تعدد به نظام اطلاعاتی بانک‌ها در سطح ملی آسیب می‌رساند؟ تعدد سیستم‌های CBS مشکلی نداشته، بلکه تدوین الزامات کارکردی رعایت قوانین و مقررات، تکلیف سیستم‌ها را مشخص می‌کند که چنین مستندی در سطح ملی مشاهده نشده است و فقدان آن به نظام اطلاعاتی کلان بانک‌ها و در سطح ملی آسیب می‌رساند.

ب - مسئولیت بانک مرکزی در این زمینه چیست؟ سند الزامات کارکردی رعایت قوانین و مقررات در حوزه‌های صورت‌های مالی، مبارزه با پول‌شویی و ... می‌تواند توسط بانک مرکزی به عنوان دستگاه ناظر یا هر دستگاه مسئول دیگری تدوین و در اختیار بانک‌ها قرار گیرد.

ج - آیا سیستم‌های CBS موجود در کشور، توانایی تهیه‌ی گزارش‌های کلیدی بانک‌ها را دارند؟ در صورت تدوین سند مورد اشاره در بند ۱۰-ب عمده سیستم‌های CBS موجود قابلیت تغییرات را دارند. مگر این که سیستم قدیمی و متعلق به نسل‌های اولیه CBS باشد.

د - آزمون محتوای اطلاعات و گزارش‌های غیر سیستمی - به صورت اکسل - با چه چالش‌هایی مواجه هست؟ آزمون محتوای اطلاعات و گزارشات غیرسیستمی - دستی - محتمل به خطا

بوده و قابل اتکا نیست.

لذا تهیه‌ی سیستم‌های نرم‌افزاری قابل اتکا و یکپارچه منطبق بر فرایندهای اصلی کسب‌وکار به‌همراه رعایت الزامات بالادستی آن توصیه می‌گردد. علی‌القاعده چنین سیستم‌هایی سنججه‌های قابل اندازه‌گیری (KPI) مورد نظر گزارشگری مالی را نیز پوشش می‌دهند.

◀ فرهاد نیلی:

اساساً بانک‌ها از سیستم مکانیزه‌ی عملیاتی که اصطلاحاً به آن CORE BANKING می‌گویند از شرکت‌های ارائه‌دهنده‌ی این نرم‌افزار که دارای مجوز از شورای انفورماتیک ایران و معتمد بانک مرکزی ج.ا.ا باشند بهره‌برداری می‌کنند. سیستم مکانیزه‌ی مذکور یک سیستم عملیات خدمات بانکداری لایو است و انتظار گزارش‌گیری از سیستم عملیاتی لایو با عنایت و توجه به تنوع ارائه‌ی خدمات بانکی و حسب مورد گزارش‌های مرتبط با آن‌ها واقع‌بینانه نیست. بر این اساس، با توجه به گستردگی و تنوع گزارش‌ها و نیازهای اطلاعاتی، بانک‌ها از ابزارها و نرم‌افزارهای جانبی دیگری که تغذیه‌ی آن از انبار داده‌های دریافتی از سیستم عملیاتی است در امر گزارش‌گیری بهره می‌برند و یا از شرکت ارائه‌کننده‌ی کرینکینگ اطلاعات مورد نیاز خود را دریافت می‌دارند و به‌هرحال محدودیتی در دریافت و ارائه‌ی اطلاعات وجود ندارد. شایان ذکر است نیاز اطلاعاتی در سطوح مختلف کارشناسی بانک برای تجزیه و تحلیل فعالیت‌ها و مقایسه‌ی عملیات به‌صورت روزانه و جزء استخراج و بهره‌برداری می‌شود و نتیجه‌ی بررسی‌ها و تحلیل‌ها برای تصمیم‌گیری مدیران ارشد ارائه می‌شود. روشن است که گزارش‌های استخراجی از نرم‌افزارها، به‌صورت چاپی و یا در قالب فایل‌های متعدد از جمله در قالب اکسل قابل دریافت، پردازش و بهره‌برداری است. ■